

#### اشاره

عالمان دینی، تاریخ پرفراز و نشیبی را در پرونده تاریخی خود دارند. علم و دانش‌اندوزی از بدو ظهور اسلام و توجه خاص جناب رسول الله(ص) به این امر عده‌ای را بر آن داشت با صرف عمر خود به این وصیت رسول خدا جامه عمل بپوشانند. «علم را فراگیرید ولو اینکه در دور دستها باشد». در طول تاریخ عالمانی را می‌بینیم که با هزینه کردن تمام هستی‌شان از تلخ و شیرین روزگار چشم پوشیدند و چراغ پرفروغ علم را همچنان روشن نگه داشتند. یکی از این عالمان بی‌نظیر و یا دست‌کم کم‌نظیر شیخ مفید است که شیعه و سنی در عظمت، تقوا، علم و دانش او، زبان به ستایش گشوده‌اند. میثاق امین از این شماره صفحاتی را به تبیین زندگی جامع، علمی و عملی این فرزندگان اعم از شیعه و سنی اختصاص داده است و باشد که سروران و اصحاب قلم به ویژه صاحبان قلم و اندیشه در حوزه اهل سنت با نگارش زندگی عالمان دیار خود (با سبک و سیاق همین مقاله) اصحاب میثاق امین را یاری نمایند. **این شاء الله.**

### شیخ مفید و نقش او در رشد و پویایی اندیشه کلامی (۱)

علی خاتمی\*

#### مقدمه

در سده اول هجری که دوره پیامبر اکرم(ص) است، مسلمانان آموزه‌ها، حقایق و معارف الهی را بی‌واسطه و به طور مستقیم از خود پیامبر(ص) می‌آموختند. پس از رحلت آن حضرت، صحابه و یاران آنچه را از پیامبر(ص) آموخته یا شنیده بودند، برای نسل جدید بازگو می‌کردند

\* علی خاتمی (۱۳۳۸ - ) محقق و پژوهشگر علوم اسلامی. از وی علاوه بر چند کتاب (تصحیح) مقالات علمی در جراید کشور نیز به چاپ رسیده است. عمده اشتغالات نام‌برده تصحیح و احیای متون است.

و تابعان که آموخته‌های آنها غالباً جنبهٔ روایی و نقل قول داشت نیز از صحابیان نقل می‌کردند و بدانها استناد می‌ورزیدند. در این سده و سدهٔ دوم، هنوز جوامع اسلامی و مسلمانان رشد کافی نکرده بودند و چندان با جمعیتها، گروهها و اقوام و مذاهب دیگر حشر و نشر نداشتند. از این رو، فضا و محیط فکری و فرهنگی مسلمانان برای طرح مسائل کلامی و اعتقادی مساعد نبود و وظایف و تکالیف شرعی مسلمانان هم شکل ساده‌ای داشت و با اندک تغییراتی با همان روش و سیرت دورهٔ پیامبر(ص) عمل می‌شد.

در این عصر هنوز پرسشهای نو و جدید برای مسلمانان در حوزه‌های فردی و اجتماعی و فرهنگی طرح نشده بود تا نیاز به تفسیر و استنباط و استدلال عقلی برای استخراج احکام از قرآن و حدیث شکل بگیرد. محدثانی ثقه احادیثی را که از پیامبر(ص) و ائمه(ع) شنیده بودند، در مجامع حدیثی گردآوری می‌کردند. کتاب اصول کافی، اثر محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ ق) و پس از آن من لایحضره الفقیه، اثر شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) از مهم‌ترین آثار حدیثی به شمار می‌رود. این دو تن و جعفر بن محمد بن قولویه (م ۳۶۹ ق) و سایر محدثان این دوره از اخباریان متقدم به شمار می‌روند.<sup>۱</sup> فقه در این عصر گرایش حدیثی و نقلی داشت و تقریباً نیاز مسلمانان را برآورده می‌ساخت.

در نیمهٔ دوم سدهٔ سوم جمعیتها و خاندانهای شیعی و در گوشه و کنار ایران از شمال ایران و طبرستان گرفته تا بسیاری از جاهای دیگر در قلمرو جغرافیایی مسلمانان افزایش و گسترش یافت و جامعهٔ مسلمانان با علوم و فنون مختلف، آداب و رسوم، اقوام و قبایل دیگر و مذاهب و ادیان گوناگون آشنا شدند و در حوزه‌ها و زمینه‌های فکری و اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با آنان داد و ستد می‌کردند. این مصاحبتها، معاشرت‌ها و آمیزشها، مشکلات و دشواریهایی را پدید می‌آورد و پرسشها و مسائلی را مطرح می‌ساخت که باید برای آنها چاره‌اندیشی می‌شد و به درک و فهمی نو از قرآن و سنت به منظور پاسخگویی به این سوالات نیاز می‌افتاد.<sup>۲</sup>

شیخ مفید نخستین عالم زمان شناس شیعی است که با مسائل و چالشهای این عصر مواجه

۱. ابوالقاسم گرگی، تاریخ فقه و فقه‌ها، ص ۱۲۴؛ حبیب‌اله عظیمی، تاریخ فقه و فقه‌ها، ص ۱۵۵؛ دائرة المعارف بزرگ

اسلامی، «ابن بابویه»، ج ۳، ص ۶۳ - ۶۶؛ حسن حسینیان مقدم و دیگران، تاریخ تشیع، ج ۲، ص ۳۴۶.

۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، «بغداد»، ج ۱۲، ص ۳۱۳، ص ۳۱۹ - ۳۲۵؛ همان منبع، ج ۸، «اسلام»،

ص ۴۲۵ - ۴۳۶؛ امیرعلی، تاریخ عرب و اسلام، ترجمهٔ فخرداعی گیلانی، چاپ سوم، ص ۲۴۱ - ۲۴۵.

شده و مقتضیات آن را شناخته و کوشیده است برای آنها بر پایه قرآن و سنت راه حل‌های عقلی و استدلالی بیابد. این نکته را از پاسخهایی که او به پرسشهای مسلمانان نقاط مختلف عصر خویش داده به خوبی می‌توان دریافت. رویکرد عقلانی و برهانی او به همه حوزه‌های مسائل اعتقادی، کلامی و فقهی در آثارش کاملاً مشهود است، ما در این گفتار برآنیم که شرح حال، آثار و تألیفات و نظرگاههای کلامی، اعتقادی و فقهی او را مورد کندوکاو قرار دهیم. وی از برجسته‌ترین و شاخص‌ترین عالمان و متکلمان و فقیهان شیعی است. آرا و نظریات کلامی و فقهی او در تاریخ فرهنگ شیعه جلوه و جایگاه خاصی دارد و همواره موضوع پژوهش پایان‌نامه‌ها، رساله‌ها و مقاله‌های گوناگون قرار گرفته است.

### نام، نسب و زادگاه

منابع رجالی نام نیاکان او را این چنین ضبط کرده‌اند: محمد بن محمد بن النعمان بن عبدالسلام بن جابر بن النعمان بن سعید بن جبیر بن وهیب بن هلال بن اوس بن سعید بن سنان بن عبدالدار بن الریان بن قُطر بن زیاد بن الحارث بن مالک بن ربیعۃ بن کعب بن الحارث بن کعب بن یَعْرُب قحطان. او در سال ۳۳۶ ق<sup>۱</sup> یا به قولی ۳۳۸ ق<sup>۲</sup> در عکبری، شهری در کرانه رود دجله، در ده فرسنگی بغداد در مکانی معروف به سُویقه ابن بصری زاده شد. وی از اعراب اصیل قحطانی بوده و به حارث بن کعب نسب برده و از این رو به حارثی شهرت یافته است و چون پدرش معلم بود، او را ابن المعلم هم نامیده‌اند.<sup>۳</sup> عکبری و بغدادی دو لقب دیگر او هستند که اولی از زادگاه و دومی از محل سکونت وی گرفته شده است. جد پنجم او سعید بن جبیر<sup>۴</sup> است. در اینجا نکته ظریف و بحث‌انگیزی وجود دارد که از

۱. سلسله مؤلفات شیخ مفید، «مقدمه» حیات شیخ مفید، ص ۱۶؛ رجال نجاشی، رقم ۱۰۶۷؛ اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۴۲۰ - ۴۲۱.

۲. فهرست ابن ندیم، ص ۲۴۶؛ فهرست طوسی، رقم ۶۹۶؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء نجف، ص ۱۱۲ و تهران، ص ۱۰۰ - ۱۰۱.

۳. ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۶۸؛ تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۳۱؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۳۰؛ ذهبی، العبر فی خبر من غیر، ج ۲، ص ۳۲۵. درباره نسب او نک: بشارة المصطفی، ص ۱۴؛ معالم العلماء، همان صفحات؛ امالی مفید، مجلس ۲۳، ص ۱۷۹.

۴. منابع پیشین، همان جا.

نگاه و نظر محققان دور نمانده است. برخی از پژوهندگان بنابر پاره‌ای از دلایل و شواهد تاریخی و زمانی و تبارشناسی که از اینجا و آنجا به دست آورده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که شیخ از نسل سعید بن جبیر، تابعی قاری و مفسر معروف قرآن که به دست حجاج بن یوسف ثقفی به سال ۹۵ یا ۹۴ ق کشته شد، نبوده و احتمال اینکه در سلسله نسب او تصحیف و یا تحریفی صورت گرفته باشد، بعید نیست.<sup>۱</sup>

نکته مهم دیگر اینکه منابع شیعی همواره از این عالم بلندآوازه با عنوان شیخ مفید نام برده‌اند. در منابع و متون تاریخی و رجالی و دیگر کتابهایی که به شرح حال او پرداخته‌اند، داستانها و نقل قولهایی هم دربارهٔ اینکه او چرا به مفید مشهور شده به چشم می‌خورد که در اینجا ما به برخی از آنها اشاره می‌نماییم. قاضی نورالله شوشتری می‌نویسد: در یکی از مناظره‌های کلامی که میان شیخ مفید و علی بن عیسی رمانی، عالم معروف معتزلی، صورت گرفته، مفید از او می‌پرسد: رأی شما دربارهٔ کسی که با امام عادل پیکار کند چیست؟ رمانی می‌گوید: او کافر است و فاسق نیست. شیخ در پرسش دیگری از او می‌پرسد: نظر شما در باب امامت امیرمؤمنان (ع) علی بن ابی‌طالب چیست؟ رمانی پاسخ می‌دهد: او امام است. سپس شیخ از رمانی می‌پرسد: نظر شما دربارهٔ طلحه و زبیر و فتنهٔ جنگ جمل چیست؟ رمانی می‌گوید: آنان توبه کرده‌اند. آن گاه شیخ می‌گوید: خبر جنگ جمل درایت است و خبر توبهٔ اینان روایت. در اینجا رمانی از ادامهٔ این گفت‌وگو در مانده و از شیخ پرسیده است: شما نزد کدام یک از عالمان این شهر درس می‌خوانید؟ شیخ در پاسخ می‌گوید: نزد شیخ ابوعبدالله جعلی درس می‌خوانم. رمانی پس از ختم این مناظره نامه‌ای به ابوعبدالله حسین بن علی بصری معروف به جعلی نگاشته و از وی با لقب مفید یاد کرده است. او در ادامه این حکایت را به گونه‌ای دیگر از مصابیح القلوب نقل می‌کند و می‌گوید: میان شیخ مفید و قاضی عبدالجبار معتزلی بحث و گفت‌وگویی در باب حدیث غدیر و اصحاب جنگ جمل در گرفته و قاضی از استدلالهای شیخ شگفت‌زده شده و در خطاب به او «انت المفید» گفته است.<sup>۲</sup> منابع رجالی و تاریخی در این مناظره‌ها به مقوله‌های بحث‌انگیز دیگری مانند حدیث غدیر، قضیهٔ غار و مفهوم مولا اشاره کرده‌اند<sup>۳</sup> که نظرگاههای

۱. در این باره بنگرید: مجموع مقالات کنگرهٔ شیخ مفید، «ناگفته‌هایی از حیات شیخ مفید»، ش ۵۵، ص ۴۶ - ۵۱.

۲. قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۶۴ - ۴۶۵.

۳. ورام بن ابی‌الفراس، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ج ۲، ص ۳۰۲؛ مقالات کنگرهٔ شیخ مفید، ش ۴۹، ص ۴۴ -

برهانی و استدلالی شیخ درباره هر یک از آنها قابل تعمق و تأمل است. اما این شهر آشوب معتقد است عنوان مفید را امام زمان (عج) به شیخ اعطا کرده است.<sup>۱</sup> به هر حال، این حکایتها با شکل و مضمونهای مختلف بر سر زبانها افتاده و به محافل و مجالس علمی و درسی راه یافته و از نسلی به نسل بعد منتقل شده است، به گونه‌ای که او را در تاریخ شیعه همه جا با عنوان شیخ مفید شناخته‌اند و می‌شناسند.

### تحصیلات، استادان و مشایخ

شیخ مفید در محیط و فضایی کاملاً فرهنگی تربیت یافت و رشد کرد. او در خردسالی به همراه پدر رهسپار بغداد گردید و حافظه قوی و استعداد درخشان او در فراگیری علم و دانش از همان کودکی بر همگان کشف شد. او در پنج سالگی از ابن ابی‌الیاس و در هفت سالگی از ابن‌سماک<sup>۲</sup> و در سنین نوجوانی و جوانی از محدثان دیگر که شیخ صدوق از مهم‌ترین و برجسته‌ترین آنهاست،<sup>۳</sup> حدیث شنید و از آنان اجازه روایت یافت. او از محضر متکلمان بزرگی چون ابو عبدالله حسین بن علی بصری معروف به جُعَل که از مشایخ و عالمان بزرگ معتزلی آن دوره به شمار می‌رفت، کلام و فقه آموخت.<sup>۴</sup> وی از استادان و مدرّسان دیگری همچون ابوالجیش مظفر بن محمد خراسانی بلخی و شاگردش ابویاسر طاهر، ابن جنید اسکافی، از متکلمان شیعی، حسین بن علی بصری و علی بن عیسی رّمّانی، از مشایخ معتزله، کلام آموخت.<sup>۵</sup> جعفر بن محمد بن قولویه، محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابو عبدالله صفوانی، احمد بن محمد بن ولید قمی، ابن حمزه طبری و ابن داود قمی از دیگر عالمان و

ط ۴۵؛ و درباره معنا و مفهوم مولا بنگرید به: از سلسله مؤلفات، الافصح (۸)، ص ۲۸۸ به بعد؛ و در موضوع فدک بنگرید به همان، الفصول المختارة (۲)، ص ۳۳۱.

۱. ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۱۰۱.

۲. مقالات کنگره شیخ مفید، ش ۵۵، ص ۵۹؛ سلسله مؤلفات، امالی (۱۳)، ص ۲۹۳؛ ذهبی، تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۳۰۲.

۳. سلسله مؤلفات، امالی، ص ۹، ۴۳، ۴۴، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۶۷، ۱۳۰، ۱۵۷، ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۱۸ و بسیاری جاهای دیگر؛ تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۸۱؛ رجال شیخ طوسی، ص ۴۸۰، فهرست نجاشی، رقم ۷.

۴. رجال نجاشی، رقم ۵۵۲، ۱۱۳۰؛ سرائر ابن ادریس، ج ۳، ص ۴۸؛ تنبیه الخواطر، ص ۳۰۲.

۵. منابع پیشین، همان جا؛ مقالات کنگره شیخ مفید «گذری بر حیات شیخ»، ش ۵۵، ص ۱۱.

محدثانی بوده‌اند که شیخ نزد آنان فقه و حدیث آموخته است. افزون بر اینها، او در حوزه‌ها و حلقه‌های درسی بسیاری از عالمان سرشناس عصر خود که نام آنها در منابع رجالی ضبط شده است، شرکت جست و از دانش آنان بهره‌های فراوان برد. وی در اثر پشتکار و کوشش پیگیر و مستمر در علوم مختلف و متداول عصر خود تبحر یافت و در رشته‌های کلام، اصول، فقه، تفسیر، ادبیات عرب، تاریخ، رجال، حدیث و نیز فن جدل و مناظره علمی چیره‌دست گردید و دیری نپایید که آوازه‌اش در همه جا پیچید و زبانزد عام و خاص شد.<sup>۱</sup>

### مقام و منزلت علمی و فکری

شیخ مفید در سده چهارم هجری که دوره شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی است زعامت و مرجعیت شیعه را در دست گرفت، حلقه‌ها و جلسه‌های درس و بحث تشکیل داد و بسیاری از جویندگان علم به محضرش شتافتند. خانه‌اش در «درب رباح» کانون رفت و آمد دانشمندان قرار گرفت. او با عالمان ادیان و مذاهب گوناگون وارد بحث و گفت‌وگو شد و دیدگاه‌های کلامی و اعتقادی امامیه را به گونه‌ای روشن و به روش منطقی و عقلانی تشریح نمود. او شاگردانی تربیت کرد که برخی از آنها چون سید مرتضی و شیخ طوسی از عالمان طراز اول شیعه به شمار می‌روند. وی به پرسشهای مختلف اعتقادی، کلامی و فقهی شیعیان که از نقاط مختلف جغرافیای اسلامی برای او ارسال می‌شد، پاسخهای مستدل و برهانی ارائه نمود. وی آموزه‌های دینی را در همه حوزه‌های کلامی و فقهی و اعتقادی از نو ساماندهی کرد و ذهن عالمان و شاگردان را به این موضوعات و مسائل معطوف ساخت.<sup>۲</sup>

او ضمن استفاده از روشهای حدیثی بر ضرورت به کارگیری عقل در استنباط احکام از

۱. سلسله مؤلفات، الجمل (۱)، ص ۹ - ۲۰؛ رجال شیخ طوسی، ص ۵۱۴؛ فهرست شیخ، ص ۱۵۷ - ۱۵۸؛ رجال نجاشی، ص ۲۸۳؛ معالم العلماء، ص ۱۱۲؛ رجال علامه بحر العلوم، ج ۳، ص ۳۱۱ و ۳۲۰؛ فهرست ابن ندیم، ص ۲۶۶ و ۲۹۳؛ ابن جوزی، المنتظم، ج ۸، ص ۱۱؛ میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۲۶ و ۳۰؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۳۶۸؛ شذرات الذهب، ج ۳، ص ۲۳۰؛ العبر، ج ۲، ص ۲۲۵؛ الوافی بالوفیات، ج ۲، ص ۱۹۷؛ یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۱۸، ص ۱۷؛ تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۳۳۱؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، ص ۷۰ به بعد.

۲. منابع پیشین، همان جا و الفصول المختارة، ش ۲، ص ۱۸، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۴۹، ۵۳، ۵۸، ۱۳۲ و صفحات دیگر همین منبع.

قرآن و سنت تأکید کرد. شیخ مفید با عالمان و مشایخ بسیاری از ادیان و مذاهب و فرقه‌ها دیدار و برخورد داشته و تقریباً نزد همگی آنها، اعم از موافق و مخالف، از حرمت و منزلت والایی برخوردار بوده است. وی بارها با قوت برهان و استدلال خود مخالفانش را شگفت‌زده کرده است. اندیشه شیعی به رهبری او از جمود و رکود بیرون آمد و حیاتی دوباره یافت. شیخ به رغم حسادت‌ها، رقابت‌ها، مخالفت‌ها و بی‌مهری‌های برخی از فرق و مذاهب و حتی امیران وقت، همچنان در تعلیم و ترویج تعالیم شیعی و تربیت و تدریس شاگردان سخت می‌کوشید.

بسیاری از عالمان و اندیشمندان شیعی و سنی، علم و فضل، اخلاق و تقوا و طهارت روحی او را ستوده و از وی به بزرگی یاد کرده‌اند. شیخ طوسی درباره او این چنین نوشته است: در زمان او ریاست و زعامت دینی شیعه با او بود. در علم فقه و کلام بر دیگران پیشگام بود. فکرش عالی، ذهنش دقیق و عالمی ژرف‌نگر و حاضر جواب بود.

نجاشی درباره او می‌گوید:

برتری او در فقه، کلام، روایت، وثاقت و دانش مشهورتر از آن است که به وصف درآید.

علامه حلّی در مورد او می‌نویسد:

وی از بزرگ‌ترین مشایخ شیعه و رئیس و استاد همه بود. کلیه عالمانی که پس از وی آمده‌اند،<sup>۱</sup> از دانش او بهره برده‌اند. وی موثق‌ترین و داناترین دانشمندان عصر خود بود.

ابن جوزی شیخ را این چنین توصیف کرده است:

پیشوای شیعه امامیه و دانشمند آنان بود. ابن معلم مجلس مناظره‌ای در خانه‌اش در درب ریاح دایر کرده بود که عموم دانشمندان در آن

---

۱. منابع پیشین، همان جا، مجله حوزه، «یادمان هزاره شیخ مفید»، ش ۵۴، بهمن و اسفند ۷۱، ص ۱۱۲؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۴۵۹، ۵۶۷؛ قاموس الرجال، ج ۸، ص ۳۶۷؛ تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۸۱؛ میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۱۷؛ مجلسی، مقدمه بحار الانوار؛ سید ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۲۳۲ و ۲۳۵؛ شیخ عبدالله یافعی، مرآة الجنان فی تاریخ مشاهیر الاعیان، ج ۳، ص ۱۹۹. برای شرح حال شیخ مفید بنگرید: روضة الجنات، ص ۵۳۸، شذرات الذهب، ج ۳، ص ۲۰۰؛ البداية و النهاية، ج ۱۲، ص ۱۵.

شرکت می‌کردند.

ذهبی در خصوص او می‌گوید:

شیخ مفید در همه رشته‌های علمی یگانه بود. در اصول عقاید، اصول فقه، فقه، اخبار و حدیث، رجال، علوم قرآن و تفسیر، نحو و شعر بر دیگران سروری داشت. کتابی از مخالفان نبود که وی در آنها غور نکرده و درباره‌اش بحث نکرده باشد. به همین سبب، او بر پاسخگویی به شبهه‌های وارد بر شیعیان بسیار توانا بود.

شیخ مفید از نگاه شیخ عبدالله یافعی این گونه بود:

وی در کلام و فقه و جدل، ماهر و زبردست بود. از مستمندان بسیار دستگیری می‌کرد. تواضع و فروتنی‌اش زیاد بود و فراوان نماز و روزه می‌گزارد و لباس زبر و خشن می‌پوشید. قامتی متوسط داشت و لاغر اندام و گندمگون بود.

ابن حجر عسقلانی او را این گونه وصف کرده است:

او آثار و تألیفات بدیعی نگاشته و بسیار پارسا و فروتن بود و برخی از عالمان حاصل تعلیم و تربیت اویند، به گونه‌ای که گفته‌اند او را بر هر پیشوایی متنی است.<sup>۱</sup>

به هر حال، پیداست که این همه توصیف و تمجید از این اندیشمند بزرگ شیعی بی‌جهت نبوده و حاصل خدمات ارزشمند، روشنگریها و ارشادات عمیق و مؤثر اوست. همه اینها نشان دهنده آن است که او حقیقتاً از چه مقام و موقع علمی و فکری بسیار ممتازی برخوردار بوده است. وی از روشهای صرفاً حدیثی پیشینیان خود به شدت انتقاد می‌کرد و ناکارآمدی آن را در پاسخگویی به اشکالات و شبهات مخالفان به خوبی نشان می‌داد. آثار و تألیفاتی که از او بر جای مانده حاکی از آن است که این عالم برجسته شیعی در تعمیق و گسترش، نوسازی و بازسازی آموزه‌های این مکتب نقش ویژه‌ای ایفا کرده است. در توصیف شخصیت علمی او مطالب فراوانی در منابع رجالی و تاریخی به چشم می‌خورد و کمتر مؤلف و مورخی دیده می‌شود که نام او را ببرد و مقام علمی او را نستوده باشد.

۱. منابع پیشین، همان جا؛ ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۳۴۴.



## خصوصیات و ویژگیهای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی عصر مفید

در سده چهارم تحولات بزرگی در جهان اسلام رخ نمود، عوامل سیاسی و اجتماعی مختلفی دست به دست هم داد و سقوط و فروپاشی حکومت عباسیان را فراهم آورد. در تمام دوره‌های خلفای عباسی، شیعیان با شدت و ضعفهایی زندگی سختی داشتند و در تعقیب و آزار و اذیت و شکنجه به سر می‌بردند و افزون بر اینها گاه با مشکلات اقتصادی، اجتماعی و معیشتی بسیار سختی دست به گریبان بودند.<sup>۱</sup>

این نکته ناگفته نماند که در دوره عباسیان خاندانهای شیعی با نفوذ و قدرتمند نوبختی، برمکی و یقطنی در شکل‌گیری و گسترش جمعیت شیعی بغداد نقش داشتند، چرا که شیعه از همان سده‌های آغازین هجری در عراق و بغداد، از هنگامی که سلمان فارسی والی مدائن گردید، حضور یافته بودند. شیعه با اینکه در اقلیت می‌زیست و با مشکلات و دشواریهای سختی روبه‌رو می‌گردید، ولی همچنان در برابر مخالفان ایستادگی می‌کرد و گاه از چنان قدرت و موقعیتی برخوردار بود که می‌توانست به خوبی در برابر فشارها و دشمنیها بایستد و حاکمان وقت را با خود همراه سازد.

واقعه سال ۳۲۳ ق یکی از آن نمونه‌هاست. در این سال بر بهاری، فقیه حنبلی مسلک، با زیارت قبور ائمه (ع) مخالفت کرد و آن را بدعت دانست. شیعیان به اظهارات او اعتراض کردند و بر اثر آن فتنه و آشوب در بغداد بالا گرفت. خلیفه عباسی، الراضی بالله، اعمال و رفتار بر بهاری و پیروانش را به شدت نکوهش کرد و آنان را روانه زندان کرد.<sup>۲</sup>

در سال ۳۳۴ ق آل بویه حکومت عباسیان را در بغداد سرنگون ساختند و احمد معزالدوله زمام امور را در این شهر به دست گرفت.<sup>۳</sup> محله کرخ و محله‌های دیگری در بغداد شیعه‌نشین

۱. دائرة المعارف، ج ۲، ص ۲۸۳؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی «ایران»، ج ۱۰، ص ۵۳۸؛ همان، «امامیه»،

ص ۱۶۰، ۱۶۵؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۲۸۴ - ۲۸۱؛ همان، ج ۴، عصر کلام عقلی، ص ۲۸۹ - ۲۹۰،

فقه و اجتهاد، ص ۲۹۱، حدیث، ص ۳۰۲ - ۳۰۸، ویژگیهای عصر عباسی، ص ۳۶۴ - ۳۶۸، آل بویه، ص ۳۷۰.

۲. علی اصغر فقیهی، تاریخ آل بویه، ص ۴۳۸ - ۴۳۹، ۴۴۵ - ۴۵۰؛ ابن مسکویه، تجارب الامم، ج ۱، ص ۳۲۲؛

مجلة حوزه، «یادمان هزاره شیخ مفید»، ش ۵۴، بهمن و اسفند ۷۱، ص ۴ به بعد.

۳. علی اصغر فقیهی، تاریخ آل بویه، ص ۸۲ - ۹۱؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ص ۵۳۸؛ دائرة المعارف بزرگ

اسلامی، ج ۱، ص ۶۳۳

بودند و مسجد معروف آن برثا به شیخ مفید اختصاص داشت. در کنار حکومت آل بویه، دولت حمدانیان هم حکومت شیعی دیگری بود که در اوائل سده چهارم در موصل و حلب روی کار آمد. بغداد از دوران عباسیان کانون تجمع نژادها، اقوام، فرق و ادیان و مذاهب گوناگون بود. با روی کار آمدن آل بویه، فضای فرهنگی و سیاسی مساعد گردید و نهادهای علمی و فرهنگی بیشتری تأسیس شد.<sup>۱</sup> دیگر شهرهای عراق نظیر کوفه، حله، نجف، کاظمین و سامرا رنگ دیگری به خود گرفت و عالمان و محدثان فراوانی از جاهای مختلف وارد بغداد شدند و مدارس و محافل درسی متعددی در این شهر تشکیل شد. کتابهای مختلفی چون کتابخانه دارالعلم در محله کرخ بغداد به دست شاپور بن اردشیر، کتابخانه صاحب بن عباد وزیر شیعی آل بویه و کتابخانه‌های دیگری در بغداد و جاهای مختلف عراق به وجود آمد. مشاغلی از قبیل کتابت، استنساخ، صحافی و وراقی که در تولید کتاب نقش دارند، دوباره رونق یافت و افراد بسیاری در این حرفه‌ها مشغول به کار شدند.<sup>۲</sup>

در دوره آل بویه عمران و آبادانی، صنعت و کشاورزی، طب و بهداشت و پرستاری، تأسیس بناها و اماکن عام‌المنفعه رو به فزونی نهاد. ورود مذاهب، خاندانها و اقوام مسلمان به این شهر بیشتر شده و آنها با آداب و رسوم و فرهنگ یکدیگر آشنا می‌شدند.<sup>۳</sup> این رفت و آمدها و شکل‌گیری جریانهای علمی و فرهنگی نتایج مفید فراوانی بر جای می‌گذاشت و البته گاه با پیامدهای زیانباری همراه بود که رویارویی و جدالها و بیکارهای مذهبی و سیاسی از نمونه‌های بارز و برجسته آن است. این کشمکشها و برخوردها دو یا سه بار موقعیت شیخ مفید را به خطر انداخت و او را با حوادث ناگواری مواجه ساخت.<sup>۴</sup>

بغداد در زمان معزالدوله در سالهای ۲۲۷، ۳۳۸، ۳۴۸، ۳۴۹ و ۳۵۰ ق کانون آشوب و جنگ و خونریزی و حریق قرار گرفت و محله‌های شیعه‌نشین به شدت آسیب دید و ویران گردید. این بیکارها دیرینه‌ای کهن داشت و ریشه آنها را می‌باید در سیاستهای خلافت عباسی جست‌وجو نمود. این رخدادها موجب می‌شد که باب گفت‌وگو و مناظره‌های علمی و تحقیقی بسته شود و

۱. منبع پیشین، ص ۶۳۹ - ۶۴۰.

۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، «آل بویه»، ج ۱، ص ۶۴۳ - ۶۴۴.

۳. منبع پیشین، ص ۶۴۰ - ۶۴۴؛ تاریخ آل بویه، ص ۱۷۴ - ۱۷۵.

۴. منبع پیشین، ص ۱۹۹، ۲۰۳، ۴۴۰ - ۴۴۴، ۴۴۵ - ۴۴۸، ۴۶۸، ۴۷۰ - ۴۷۱؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی،

«آل بویه»، ج ۱، ص ۶۴۰ - ۶۴۱.

پیشرفتهای فکری و فرهنگی به کندی صورت گیرد.<sup>۱</sup>

احمد معزالدوله در سال ۳۶۵ ق در بغداد درگذشت و پسرش عزالدوله بختیار از سال ۳۵۶ - ۳۶۷ ق بر مسند قدرت نشست. او امیر بالیاق و درایتی نبود و از مدیریت و کفایت سیاسی بهره‌ای نداشت. این وقایع تلخ و ناگوار در سالهای ۳۵۶ تا ۳۶۱ ق و سال بعد تا ۳۶۳ ق بارها در بغداد رخ نمود و حاصلی جز کشتار و تخریب و نابودی شهر و مناطق شیعه‌نشین در بر نداشت. در زمان این امیر فعالیتهای عمرانی و فرهنگی خاصی صورت نگرفت.<sup>۲</sup>

عضدالدوله دیلمی در سال ۳۶۷ ق وارد بغداد شد و عزالدوله بختیار به فرمان او گردن نهاد. وی قدرتمندترین امیر آل‌بویه بود و با روی کار آمدن او فتنه و آشوب بغداد در سال ۳۶۷ ق خاموش شد.<sup>۳</sup> او اقدامات عمرانی بسیاری انجام داد، مساجد و دیرها، بازار، آرامگاهها و مقابر را تعمیر و بازسازی نمود، راهزنان را سرکوب کرد و امنیت راهها را برقرار ساخت. وی در سال ۳۷۲ ق بیمارستان مهمی در بغداد برپا کرد و املاک بسیاری برای مخارج و هزینه‌های آن وقف نمود. او کوشید به درگیریهای شیعه و سنی پایان دهد. شیخ مفید نزد این امیر از حرمت و منزلت والایی برخوردار بود و یک بار در هنگام بیماری شیخ، عزالدوله از وی عیادت کرد و او را به گرمی نواخت. عزالدوله در سال ۳۷۲ ق درگذشت و پس از او امیران متعددی روی کار آمدند که همه فاقد کفایت سیاسی بودند و هیچ یک به مرتبه و مقام عزالدوله دست نیافتند. در سالهای پس از عزالدوله، شهر بغداد باز هم دچار پیکارها و آشوبهای فراوان گردید و مناطق شیعه‌نشین کرخ و باب الطاق بارها مورد هجوم قرار گرفت.<sup>۴</sup>

۱. ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۸، ص ۵۷۶ و ۶۱۹؛ تجارب الامم، ج ۲، ص ۲۳۴، ۳۲۸؛ ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، ج ۹، ص ۳۴، ۱۶۸؛ همان، ج ۸، ص ۶۳۲؛ البداية و النهاية، ج ۱۱، ص ۲۵۳، ۳۲۵، ۲۸۹؛ المنتظم، ج ۷، ص ۸۸؛ شذرات الذهب، ج ۳، ص ۱۳۰؛ العبر فی خبر من غیره، ج ۲، ص ۱۷۶؛ البداية و النهاية، ج ۱۱، ص ۲۷۵ و ج ۱۲، ص ۱۹.

۲. منابع پیشین همان جا؛ مقالات کنگره شیخ مفید، ش ۵۵، ص ۸۸ - ۹۸ وقایع دوران احمد معزالدوله و عضدالدوله دیلمی را بررسی کرده است.

۳. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، «آل‌بویه»، ص ۶۳۴ و ۶۳۵؛ علی اصغر فقیهی، تاریخ آل‌بویه، ص ۲۳۰، ۲۴۱ - ۲۴۲؛ همو، چگونگی فرمانروایی عضدالدوله دیلمی و بررسی اوضاع ایران در زمان آل‌بویه، ص ۵۴ - ۷۰.

۴. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۶۳۴ - ۶۳۵، ۶۴۲ - ۶۴۴؛ تاریخ آل‌بویه، ص ۲۴۱ - ۲۴۲ - ۲۴۷ - ۲۴۸؛

این وقایع روح شیخ مفید را سخت می‌آزرد، چرا که این گونه رفتارها و اعمال، شیوه علمی و فکری شیخ مفید را که براساس طرح آزاد مباحث کلامی و اعتقادی شکل گرفته بود، عقیم می‌ساخت. شیخ همواره می‌کوشید هواداران و پیروان فرق و مذاهب را از برخوردهای خشن و پیکارهای خونین بازدارد. برخی از فرق و مذاهب می‌کوشیدند این شیوه و روش شیخ را بر هم زنند و مانع شکل‌گیری فضای مساعد و مناسب علمی و فرهنگی در بغداد شوند. این رویدادهای ناگوار موقعیت شیخ مفید را در سالهای ۳۹۳، ۳۹۸ و ۴۰۹ ق به خطر انداخت و منجر به تبعید او در این سالها از بغداد شد.<sup>۱</sup> او و شاگردانش چون سید مرتضی و شیخ طوسی می‌کوشیدند باب تفاهم، تعامل و گفت‌وگو را با فرق اهل سنت برقرار سازند و پیروان خود را هم به اتخاذ این روش ترغیب و تشویق می‌نمودند.<sup>۲</sup>

عالمان شیعی فراوانی در عصر آل بویه زندگی کردند که ابن داود قمی (م ۳۶۸ ق)، شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)، ابن جنید (م ۳۸۱ ق)، نجاشی (م ۴۵۰ ق)، سید مرتضی (م ۴۳۶ ق)، شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) و شیخ ابویعلی دیلمی (م ۴۶۳ ق) از آن جمله‌اند.<sup>۳</sup>

آل بویه در سال ۴۴۷ ق به دست سلجوقیان منقرض شد. این خاندان تقریباً در تمام دوران حاکمیت خود پیوسته با درگیریها و منازعات درون‌خاندانی میان برادران و برادرزادگان مواجه بود. آنان می‌کوشیدند فرق و مذاهب را به زندگی مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر تشویق کنند و رفتار آنان با جماعت‌های سنی و شیعه یکسان بود، اما اینکه در دستیابی به این هدف موفق نشدند به عوامل فراوانی بستگی داشت که عدم لیاقت و کفایت سیاسی امیران این

ط چگونگی فرمانروایی عضدالدوله دیلمی و بررسی اوضاع ایران در زمان آل بویه، ص ۵۴ - ۷۰، ۷۳ - ۸۱؛ و منابع پیشین همان جاها؛ مقالات کنگره شیخ مفید، ش ۵۵، ص ۹۳ - ۹۸.

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۹، ص ۱۶۸، ۱۷۸، ۲۰۸، ۲۶۳، ۲۹۴ - ۲۹۵؛ مقالات کنگره شیخ مفید، ش ۵۵، ص ۲۰ - ۲۶؛ مجله حوزه، «یادمان هزاره شیخ مفید»، ش ۵۴، ص ۱۲؛ ابن جوزی، المنتظم، ج ۷، ص ۲۳۷ و ج ۸، ص ۱۷۳ - ۱۷۹ و منابع پیشین در صفحات قبل، همان جا.

۲. المنتظم، ج ۷، ص ۳۴۰؛ الفصول المختارة، ص ۱۸ - ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۵۰، ۵۸، ۸۱، ۸۶، ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۳۲ و جاها دیگر؛ المنتظم، ج ۸، ص ۱۱؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۳۴۴.

۳. رجال نجاشی، ص ۳۰۲ - ۳۰۳؛ ریاض العلماء، ج ۵، ص ۱۱۹ - ۱۲۰؛ علی دوانی، مفاخر الاسلام، ج ۳، ص ۱۷۲؛ چگونگی فرمانروایی عضدالدوله دیلمی و بررسی اوضاع ایران در زمان آل بویه، ص ۱۱۹ - ۱۳۶؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، «آل بویه»، ج ۱، ص ۶۴۱؛ سید حسن موسوی، زندگی سیاسی و فرهنگی شیعیان بغداد، ص ۲۵۸ - ۲۸۴.

خاندان پس از عضدالدوله یکی از مهم‌ترین آنهاست.<sup>۱</sup>

### اندیشه‌های کلامی و اعتقادی

آرا و نظریات کلامی شیخ مفید عمدتاً در دو کتاب اوائل المقالات فی المذاهب و المخترات که ارزشمندترین و غنی‌ترین اثر کلامی اوست و دیگری اثر جالب توجه و جذاب تصحیح الاعتقاد گردآوری شده است. البته مباحث کلامی و اعتقادی به تناسب عناوین و موضوعات آنها در دیگر آثار و رساله‌های او هم به چشم می‌خورد. او در همه جا پس از طرح آرا و نظریات خود، دیدگاه‌های قاضی عبدالجبار معتزلی، ابوالقاسم بلخی، جبائی و پسرش، خیاط، ابراهیم نظام، شاخه‌های معتزله بغداد و بصره، اصحاب حدیث، اهل جبر و تشبیه، حشویه، مرجئه، خوارج، زیدیه و دیگر فرقه‌های اسلامی را نقل می‌نماید و به تشابه و تفاوت آنها با یکدیگر اشاره می‌کند. دیدگاه شیخ مفید راجع به هر یک از این فرقه‌ها خود می‌تواند موضوع تحقیق در حجم کتاب، رساله و مقاله‌ای جداگانه قرار بگیرد. ما در این مبحث خواهیم کوشید نظرگاه‌های کلامی و اعتقادی شیخ را ذیل اصول و محورهای مشخص و معین دسته‌بندی نماییم.

### خداوند و صفات او

خداوند موجودی یگانه، ازلی، جاودانه و بی‌همانند است، شبیه هیچ چیزی نیست و تنها او شایسته پرستش است. اهل توحید در این مورد اتفاق نظر دارند: او توانا، زنده و داناست. این هر سه صفات ذات‌اند، یعنی همواره او دارای این صفات هست.<sup>۲</sup> صفاتی چون رزاق، حیات‌بخش، میراننده، آغازکننده و بازگرداننده و دیگر صفاتی از این دست صفات افعال نامیده شده‌اند،<sup>۳</sup> زیرا این استدلال درست نیست که خداوند پیش از آنکه چیزی بیافریند، زنده کند یا بمیراند، به صفات آفریننده، زندگی‌بخش و میراننده خوانده شود. صفات شنوا و بینا از صفت

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۲۱۲ - ۲۱۳ و ج ۹، ص ۲۸۲ - ۲۸۹؛ البدایة و النهایة، ج ۲، ص ۸۲ - ۸۴؛ ذهبی، تاریخ اسلام، ج ۳۰، ص ۲۰؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، ص ۲۹۸ - ۲۹۹.  
 ۲. سلسله مؤلفات شیخ مفید، اوائل المقالات (۴)، ص ۵۱؛ تاریخ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، ص ۱۷۹.  
 ۳. سلسله مؤلفات شیخ مفید، تصحیح الاعتقادات (۵)، ص ۴۰ - ۴۱؛ تاریخ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۱۹۲ - ۱۹۳.  
 در این کتاب دیدگاه‌های کلامی شیخ مفید و قاضی عبدالجبار معتزلی به صورت منسجم و منظم در کنار یکدیگر آورده شده و گاه مقایسه گردیده است. بنگرید به: اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۷۰ - ۷۸.

ذات دانایی گرفته شده، یعنی که هیچ چیز بر او پوشیده و پنهان نیست؛<sup>۱</sup> نه اینکه خداوند با چشم و گوش پدیده‌ها و اشیا را می‌بیند و می‌شنود، چون اینها صفات مخلوق است. شیخ مفید در مورد اراده معتقد است اراده خداوند برای افعال، خود آن افعالی است که صورت می‌گیرد و افعالی است که به اختراع و ایجاد او صادر می‌شود و خود افعال اراده اویند. در حقیقت اراده خداوند در افعال او دیده و فهمیده می‌شود و با هیچ فعل اراده دیگری از جانب او جز خود آن افعال اتفاق نمی‌افتد.<sup>۲</sup> متکلم یکی دیگر از صفات فعلی است. متکلم یعنی سازنده کلام. کلام از اعراض است و عرض بقا و ابدیت ندارد. برای مثال، خداوند کلام خود را برای موسی در بوته درخت یا در هوای مماس با آن پدید آورد که این همان متکلم یا سازنده کلام در اشیا و پدیده‌هاست که توسط خداوند به فعلیت درآمده است.<sup>۳</sup>

شیخ مفید در کتاب النکت الاعتقادیة صفات کلامی خداوند را چون علم، قدرت، مختار بودن، قدیم و ازلی بودن، حیات، اراده، عدالت، سمیع و بصیر به معنای مدرک و صفات خدا عین ذات اوست را تحت عنوان صفات ثبوتیه خداوند و صفات نقص را مانند مرکب نبودن، جسم نبودن، محل و مکان و جهت نداشتن، با مخلوق متحد نبودن، لذت و الم نداشتن، مرئی نبودن، بی‌شریک بودن، نداشتن صفات زائد بر ذات و محتاج نبودن را با عنوان صفات سلبی در قالب پرسش و پاسخ و یا به شیوه‌های برهانی دیگر تبیین نموده است.<sup>۴</sup>

موضوع «بداء» یکی دیگر از مباحث بحث‌انگیز اختلافی میان شیعه و دیگر فرق و مذاهب است. این واژه از لحاظ لغوی به معنای انکشاف و آشکار شدن است. این اصطلاح در احادیث شیعی به کار رفته است و در حقیقت به مفهوم نسخ و تغییر و تبدیل حالت و وضع است، مانند مرگ پس از حیات، بیماری پس از سلامتی و تندرستی، فقیر و نیازمند شدن پس از توانگری و ثروتمندی و بسیاری از این دست که همه اینها در متن و ذات خلقت و طبیعت به صورت تکوینی وجود دارد. «بداء» به این معنا نیست که خداوند از انجام فعلی یا کاری آگاه نبوده و بعداً

۱. سلسله مؤلفات شیخ مفید، ص ۵۲ - ۵۴؛ تصحیح الاعتقاد، ص ۴۱؛ تاریخ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۱۹۲ - ۱۹۳، ۱۹۵.

۲. اوائل المقالات، ص ۵۳؛ تاریخ اندیشه‌های کلامی، ص ۱۹۸.

۳. سلسله مؤلفات شیخ مفید، المسائل العکبریة (۶)، پرسش ۱۱، ص ۴۳ - ۴۴؛ تاریخ اندیشه‌های کلامی، ص ۲۰۳.

۴. تصحیح الاعتقاد (۵)، ص ۴۰ - ۴۱؛ النکت الاعتقادیة (۱۰)، ص ۱۶ - ۳۱.

پشیمان شده و چیز دیگری برای او ظاهر و کشف شود و فعل را به صورت دیگری انجام دهد.<sup>۱</sup> به هر حال، شیخ در مجموع «بداء» را مترادف با نسخ دانسته است.

### وحی و نبوت

شیخ بر این باور است که انسان برای هدایت و دستیابی به سعادت در دنیا و آخرت می‌باید به وحی که از طرف خداوند بر پیامبران نازل می‌شود و به صورت کتاب و دستورالعمل اخلاقی درمی‌آید معتقد باشد. از این رو، ضرورت نیاز به پیامبر قطعی و مسلم است. برای شناخت خداوند و اصول و تکالیف اخلاقی به وحی نیازمندیم و این پیامبران‌اند که از طریق وحی، احکام و شرایع را برای مردم تشریح می‌کنند و راه سعادت و کمال را به آنان نشان می‌دهند. شیخ می‌گوید امامیه معتقدند که «رسول» به همه پیامبران و انبیا اطلاق می‌گردد، ولی هر «نبی» رسول نیست، یعنی خود آورنده شریعت و کتاب است، در صورتی که رسولان نگهبانان و مروجان آیین پیامبران پیشین‌اند و حامل وحی، شریعت و کتاب جدید نیستند. به عبارت خلاصه، هر نبی رسول نیز هست، اما هر رسولی نبی نمی‌تواند بود.<sup>۲</sup>

اعجاز و عصمت دو ویژگی بارز پیامبران هستند، بدین معنا که هر پیامبری که از طرف خدا برانگیخته می‌شود، دارای قدرت و نیروی خارق العاده الهی است که این قدرت و نیرو شاهد صادقی است بر الهی بودن دعوت او. در تألیفات شیخ مفید از مقوله معجزه به طور مشخص و معین بحث نشده، ولی وی در خصوص اعجاز قرآن که سند نبوت پیامبر است می‌گوید اعجاز قرآن بدین معناست که خداوند سخندانان و ادیبان فصیح و بلیغ دوره پیامبر را از آوردن سوره یا آیه‌ای همانند قرآن بازداشت و منصرف ساخت.<sup>۳</sup>

عصمت یکی دیگر از ویژگیهای بارز و برجسته پیامبران است. شیخ در این باب تصریح می‌کند که عصمت لطف و عنایتی است که از جانب خداوند به خاصان و برگزیدگان منحصر به

۱. اوائل المقالات، ص ۸۰؛ تصحیح الاعتقادات، ص ۶۵ - ۶۷؛ تاریخ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۴۳۴ - ۴۴۴،

۲. ۴۴۶-۴۴۷؛ درباره صفات خداوند، توحید، نفی تشبیه، تجسیم بنگرید به: النکت الاعتقادیة (۱۰)، ص ۳۳-۳۹.

۳. اوائل المقالات، ص ۴۴ - ۴۵؛ النکت الاعتقادیة، ص ۴۱ - ۴۲؛ تاریخ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۱۱۳ - ۱۱۴.

۳. اوائل المقالات، ص ۶۲ - ۶۳؛ تصحیح الاعتقاد، ص ۱۲۸ - ۱۳۰؛ النکت الاعتقادیة، ص ۴۲؛ تاریخ اندیشه‌های کلامی

شیخ مفید، ص ۱۱۷ - ۱۲۰.

فرد آنان اعطا می‌شود. این توفیق شامل هر کسی نمی‌گردد و نیرو و قدرت عصمت که شخص را از ارتکاب هر فعل بد و ناشایست باز می‌دارد، فقط اختصاص به پیامبران دارد. او پس از بررسی آرا و اقوال فرقه‌های اسلامی بر این نکته تأکید می‌کند که پیامبر اکرم (ص) در سرتاسر عمر خود از هر گونه گناه کبیره و صغیره و سهو و غفلت و پریشانی معصوم و مصون بوده است.<sup>۱</sup>

### عدل الاهی

عدل الاهی به مفهوم آن است که نظام تکوینی و تشریحی خداوند براساس حق و عدل بنا شده و خداوند در این نظام به اندازه ذره‌ای به کسی ظلم و ستم نمی‌کند. عدل یکی از اصول مهم امامیه است. بنابر اعتقاد شیخ، خداوند عادل و کریم است، هیچ فعل ناشایست انجام نمی‌دهد و آفریدگان را برای عبادت آفریده و آنان را به اطاعت خود فراخوانده، از سرپیچی و نافرمانی بازداشته، نعمت خود را به آنان ارزانی می‌دارد، در حقشان نیکی می‌کند و خیرخواه آنان است. او همه را با حکمت بالغه خود راهنمایی و هدایت فرموده و هیچ کس را بیش از توانایی خود مکلف نساخته است.<sup>۲</sup> هیچ چیز عبث و بیهوده‌ای نیافریده و در آفرینش او همه چیز در حدود و اندازه خود قرار دارد و با یکدیگر متناسب است. در کار و فعل و آفرینش او زشتی و ناشایستگی وجود نداشته و در فعل و اراده خود شریکی ندارد. آدمیان را به کارهایی که انجام می‌دهند مجبور نمی‌سازد و هیچ کس را جز بر گناهی که مرتکب شده سرزنش و عذاب نمی‌کند. او از آفریدگان به سبب خیر و صلاح خودشان خواست تا به فرمان او گردن نهند و طاعت و بندگی کنند. خداوند در این جهان و جهان آخرت، بنا بر خیر و صلاح بندگان و آفریدگان خود عمل می‌کند و هرگز فعلی و عملی بیشتر از استطاعت و قدرتشان از آنان نمی‌خواهد. او هرگز نمی‌خواهد که کسی مرتکب گناه گردد.<sup>۳</sup>

شیخ مفید در تشریح و تفسیر حدیث معروف «لا جبر و لا تفویض بل امر بین امرین»

۱. اوائل المقالات، ص ۶۲؛ تصحیح الاعتقاد، ص ۱۲۸؛ النکت الاعتقادیة «عدم سهو النبی»، ص ۱۸ - ۳۰؛ تاریخ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۱۳۵ - ۱۴۰.
۲. اوائل المقالات، ص ۵۶ - ۵۸، ۵۹، ۶۱؛ تصحیح الاعتقاد، ص ۶۳؛ تاریخ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۴۶۳ - ۴۶۶؛ ۹۷، ۱۰۴، ۲۰۷، ۲۲۲.
۳. اوائل المقالات، ص ۵۷ - ۵۹، ۶۱؛ مارتین مکدرموت، تاریخ اندیشه‌های کلامی، ص ۲۰۸ - ۲۰۹، ۲۱۰؛ تصحیح الاعتقاد، ص ۱۰۳ - ۱۰۵.



معتقد است جبر یعنی اینکه کسی را از طریق غلبه و اضطراب و اجبار به کاری وادار کنیم که این در حقیقت آفریدن فعل در آفریدگان است، بی‌آنکه توانایی بر دفع آن داشته باشند یا بتوانند از آن کار امتناع ورزند. اساساً کاری که انسان با اکراه انجام می‌دهد، جبر خوانده می‌شود، زیرا او هیچ قدرتی بر امتناع از این کار ندارد. مجبره چنین اعتقادی دارند و بر این نکته تصریح می‌ورزند که خداوند فعل را در آفریدگان آفریده است و آنان که به اختیار و تفویض گرویده‌اند بر این باورند که انسان در انجام کارها با موانعی روبه‌رو نیست و هر چیزی و کاری روا و مجاز است که البته این آیین و افکار اباحیان و زندیقان است.

در تبیین برهانی و استدلالی این حدیث، وی بر این عقیده است که مفهوم میانه و حد واسط آن است که خداوند بندگانش را بر افعال و اعمال خود توانا و مسلط ساخته است، اما برای کردار و رفتار آنان حدود و قیودی معین نموده و آنان را از انجام هر عمل زشت و ناشایست بازداشته است. بنابراین، بنابر اصل وعده و وعید، خداوند با اعطای قدرت به بندهاش او را برای انجام هر عملی و فعلی قادر آفریده و بندگانش را به کارهایی که از سر قصد و اختیار انجام می‌دهند مجبور نساخته است، اما این اختیار بدین معنا نیست که او هر کاری را روا و مجاز می‌داند. پس در اینجا تفویض مطلق در کار نیست. او حسن و قبح افعال را با هدایت و راهنمایی به بندگان می‌نماید و آنان را به کارهای خیر فرمان می‌دهد و از بدیها و زشتیها نهی می‌کند. شیخ در این مبحث کلامی با استناد به این حدیث، به خوبی دو مفهوم جبر و تفویض را با یکدیگر جمع کرده و از آن نتیجه مطلوب گرفته است.<sup>۱</sup>

## امامت

موضوع امامت نزد فرقه امامیه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. بنابر مذهب شیعه، امامت از اصول دین به شمار می‌رود. شیخ بر این عقیده است که امامیه گروهی از مسلمانانند که به وجوب امامت، عصمت و وجوب نص برای تعیین شخص امام اعتقاد دارند و هر انسان مکلف می‌باید به وجود یک امام که از خطا و گناه مصون و معصوم است، معتقد باشد. مکلف باید امام زمان خود را بشناسد و اگر او را نشناسد، همچون کسی است که در روزگار جاهلیت زندگی می‌کرده است. ائمه (ع) از نظر زندگی، معیشت، رخدادهای دوره زندگی و

۱. اوائل المقالات، ص ۴۶ - ۴۷.

ابتلا به بیماریها با سایر مردم فرقی ندارند.<sup>۱</sup> امامیه معتقدند ائمه (ع) جانشینان پیامبر (ص) در اجرای احکام و اقامه حدود الهی و پاسداری از شرایع و مسئول تربیت و هدایت بشرند. بنا بر اعتقاد شیعه، شیخ مفید می‌گوید: ائمه آل محمد بر رسولان و پیامبران گذشته و فرشتگان و همه آفریدگان به جز حضرت محمد (ص) سروری و برتری دارند.<sup>۲</sup> شیخ در باب علم امامت چنین اظهار می‌دارد: ائمه آل محمد از ضمایر و باطن برخی از بندگان آگاه بوده و از آنچه باید روی دهد پیش از آن آگاهی داشتند، اما این صفت شرط لازم و واجبی برای امامت به شمار نمی‌رود، چون گفتن این مطلب که امامان از غیب آگاه‌اند، خطایی آشکار است، زیرا این صفت تنها مخصوص خداوند است که از همه چیز باخبر است.<sup>۳</sup>

پرسشی بدین مضمون وجود دارد: چرا حضرت علی (ع) با آنکه می‌دانست در مسجد کوفه کشته خواهد شد به مسجد رفت و یا حسین بن علی (ع) با آنکه از این مطلب آگاه بود که مردم کوفه او را یاری نخواهد کرد، دعوت آنان را پذیرفت و به سوی آنها شتافت؟ شیخ در جواب می‌گوید: که امامان از تفصیل و چگونگی جزئیات حوادث و رویدادهایی که بعداً به وقوع خواهد پیوست، خبر نداشتند. او بر این نکته تأکید می‌کند که امام با علم خود حکم می‌کند و ممکن است با توجه به صورت و ظواهر امر حکم صادر کند و این امکان وجود دارد که باطن امور از او پوشیده بماند.<sup>۴</sup> او در ادامه می‌افزاید: امامان از لحاظ جسمی و طبیعی و سایر نیازها با مردم فرقی ندارند. اما پس از وفات جسم و روحشان از قبر به بهشت انتقال می‌یابد و در آنجا تا روز قیامت زنده و برخوردار از نعمتهای الهی‌اند و کسانی از صالحان و پیروان خود به آنان می‌پیوندند.<sup>۵</sup>

۱. اوائل المقالات، ص ۶۴ - ۶۵؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳؛ الافصاح فی الامامة، ص ۱۱۴ - ۱۳۲؛ سلسله مؤلفات شیخ مفید، مسار الشیعة (۷)، «مسألة أُخرى فی النص علی علی (ع)»، ص ۲۱ - ۲۵. دربارهٔ مشیت و اراده، قضا و قدر بنگرید به: تصحیح الاعتقاد، ص ۴۸ - ۵۳، ۵۴ - ۵۹.
۲. اوائل المقالات، ص ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۰؛ منابع پیشین، همان جاها؛ المسائل العکبریة، پرسش ۱۲، ص ۴۵ - ۵۳؛ تاریخ اندیشه‌های کلامی، ص ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴ - ۱۴۸.
۳. منابع پیشین، همان جا.
۴. منابع پیشین، همان جا؛ المسائل العکبریة، پرسش ۲۰، ص ۶۹.
۵. اوائل المقالات، ص ۷۲؛ تاریخ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۱۵۱.

بنابر باور شیخ، ائمه(ع) از اوضاع و احوال شیعیان خود باخبرند و سخنان زائرنی را که در مشاهد مشرفه با آنان سخن می‌گویند و راز و نیاز می‌کنند، می‌شنوند و این مذهب امامیه است. منصب امامت تکلیفی الهی است و وظایف و تکالیف امام مانند تکالیف پیغمبری است و بزرگداشت و فرمانبرداری از امام واجب است. امامیه بر این نظرند که در هر زمانی امامی به منزله حجت خداوند متعال بر بندگانش وجود داشته و مصلحت دین و دنیای مسلمانان چنین ضرورتی را ایجاب کرده است. شناخت ائمه(ع) و پیروی از دستورهای آنان مانند دیگر فرائض دینی واجب و لازم است. همه ائمه(ع) به نص توسط امامان پیشین خود و حضرت رسول(ص) تعیین شده و به امامت برگزیده شده‌اند.<sup>۱</sup>

شیخ در جای جای تألیفات خود و یا در پرسشهای کلامی که در باب امامت علی(ع) برای او ارسال شده و همچنین مناظره با عالمان دیگر فرق اسلامی، به شیوه‌های عقلی و نقلی با استناد به آیات و روایات، ولایت و امامت علی و یازده فرزندش را اثبات نموده و به شبهات و ابهاماتی که فرق و مذاهب در این زمینه طرح کرده‌اند، پاسخهای مستدل، برهانی و روشن داده است.<sup>۲</sup>

### معاد و جهان پس از مرگ

یکی از اصول محکم و متقن اعتقادات اسلامی، ایمان به عالم آخرت و حیات اخروی است. در تعالیم پیامبران الهی توجه به این اصل بسیار مهم تلقی شده و همواره موضوع بحث و بررسی متکلمان اسلامی قرار گرفته است. شیخ در توصیف قیامت و روز بازپسین می‌گوید: پیش از آنکه جهان به نقطه سرانجام خود برسد، اوضاع و احوال برای مهدی موعود(عج) مهیا خواهد گشت و او با ظهور خود جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود.<sup>۳</sup> پس از آن دوره، زندگی و حیات این جهانی به پایان خواهد رسید، همگان خواهند مُرد تا اینکه در روز رستاخیز برانگیخته می‌شوند.

۱. اوائل المقالات، ص ۷۳ - ۷۶: المسائل العکبریة، پرسش ۲۴: تاریخ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۱۵۲.

۲. برای تعداد پیشوایان بنگرید به: تصحیح الاعتقاد، ۹۳؛ برای امامت امیرالمؤمنین و ائمه، حدیث غدیر خم، حدیث منزلت، بنگرید به: النکت الاعتقادیة، ص ۴۳ - ۴۸؛ مسار الشیعة، «مسألة اخرى فی النص علی علی بن ابی طالب»، مناظره مفید با قاضی باقلانی، ص ۲۱ - ۲۶.

۳. اوائل المقالات، ص ۷۷: تاریخ اندیشه‌های کلامی، ص ۳۵۶.

او مردم را پس از مرگ براساس اعمال و رفتارشان به چهار دسته تقسیم می‌کند و می‌نویسد: گروه اول کسانی هستند که اهل ایمان، معرفت و بصیرت بوده‌اند و از احکام خداوند پیروی کرده‌اند. اینان سعادت‌مند می‌شوند و از نعمت خداوند برخوردار می‌گردند و با اولیای خود در بهشت جای می‌گیرند. دسته دوم گروهی هستند که به مبارزه با حق و حقیقت برخاسته و مرتکب معاصی و گناهان زیاد گشته‌اند. خداوند این دسته را با رهبرانشان در جایگاهی پایین و پست مستقر خواهد نمود.

وی دربارهٔ دسته سوم با تأمل و تردید سخن گفته و بر این باور است که زنده شدن یا باقی ماندن به حالت مرگ این گروه از مردم به هر یک از دو حالت روا و سزاوار است. اینان فاسقان از اهل ایمان و معرفت‌اند که مرتکب گناه و معاصی شده‌اند و البته این سرپیچی و تخلف از دستورهای خداوند از روی عناد و لجاج نبوده و آنان بنا بر پیروی از هوس به دنبال محرمات رفته‌اند. اینان توبه نکرده‌اند و بی‌توبه دنیا را ترک گفته‌اند.<sup>۱</sup> خداوند ممکن است این دسته را زنده کند و در زندگی برزخی قرار دهد تا به سبب گناهی که مرتکب شده‌اند همچنان معذب باشند و تا هنگام حشر از گناه پاک شوند. در این صورت، اینان از آتش دوزخ در قیامت ایمن می‌شوند و به سبب طاعت وارد بهشت خواهند شد. احتمال دیگر این است که خداوند زنده کردن آنان را تا روز حساب و کتاب به تأخیر اندازد و هر طور که صلاح بداند با آنان رفتار کند، مجازاتشان کند و به دوزخ اندازد و یا از گناهانشان درگذرد. این مطلب از بندگان پوشیده است. بالاخره دسته چهارم تقصیرکارانی هستند که از شناخت حقیقت و معرفت بدون هیچ گونه عناد و لجاجی بازمانده‌اند. آنان در حقیقت بقیهٔ مردم‌اند که شیخ از آنان با تعبیر مستضعفان نام برده است.<sup>۲</sup>

شیخ در ادامه می‌افزاید: بنا بر آموزه‌های شیعی، پیامبر(ص) و ائمه(ع) در روز بازپسین برخی از گناهکاران شیعه را شفاعت خواهند کرد و خداوند هم به سبب منزلت والای پیامبر(ص) و ائمه(ع) شفاعت آنان را می‌پذیرد و بسیاری از گناهکاران را می‌بخشد. شیخ حتی معتقد است خداوند شفاعت مؤمنان را در مورد گناهکاران می‌پذیرد. در زمینهٔ شفاعت برخی از

۱. اوائل المقالات، ص ۷۷؛ تاریخ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۳۳۴ - ۳۳۵.

۲. اوائل المقالات، ص ۷۷ - ۷۸؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۳۳۴ - ۳۳۵.

فرق اسلامی با امامیه همداستان‌اند.<sup>۱</sup>

شیخ مفید راجع به دیگر اوصاف و ویژگیهای جهان پس از مرگ باز هم سخن گفته که ما رشته این بحث را به سبب اهمیت فعل گناه با طرح این موضوع پی می‌گیریم. بنابر دیدگاه شیخ مفید، گناهان کبیره و صغیره بنابر نسبتشان با این عنوان خوانده می‌شوند و هر گناهکاری که عمل نیکی انجام داده باشد، پاداش کار نیک خود را دریافت خواهد کرد. انسانهایی که دارای طاعت و معصیت هستند، این چنین نیست که به علت گناه عذاب و عقاب شوند، ولی در برابر طاعات و اعمال نیک هیچ پاداشی به آنها داده نشود. این به لحاظ نظری و عملی با عدالت خداوند ناسازگار است و معاصی و طاعات یکدیگر را حبط و باطل نمی‌سازند.<sup>۲</sup>

شیخ آمرزش و بخشش خداوند را با توجه به اصل کلامی وعد و وعید بسیار مهم ارزیابی کرده و عفو و آمرزش را براساس اصل تفضل در افاق گسترده و وسیعی دیده است، به گونه‌ای که همه آدمیان و مرتکبان گناه و لغزش و خطا مشمول عفو و آمرزش و رحمت خداوند قرار می‌گیرند. او وعید را بنابر آیات و روایات مختص کفار می‌داند. او همواره جود و کرم خداوند را در کنار عدل قرار می‌دهد و ثواب و پاداش و عقاب و عذاب را از این منظر بررسی می‌کند.<sup>۳</sup>

وی در دنباله سخن به مقوله توبه پرداخته و معتقد است پذیرفته شدن توبه عذاب و عقاب را اسقاط می‌کند و این در صورتی است که فرد از انجام گناه پشیمان شود و معاصی و گناه را با عزم راسخ ترک گوید.<sup>۴</sup>

در مبحث وعد و وعید میان امامیه و فرقه‌های دیگر اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد، ولی در عین حال در بعضی جاها میان آنها همانندیهایی هم به چشم می‌خورد. او در مباحث دیگری از عذاب قبر سخن به میان آورده و بر این باور است که روح و نفس در شکل و قالبی

۱. اوائل المقالات، ص ۷۹ - ۸۰؛ النکت الاعتقادیة، ص ۵۴؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۳۳۶ - ۳۳۸؛ شیخ در

جای دیگر هم به مسئله شفاعت پرداخته و نظریه مرجئه را در باب شفاعت بررسی و نقد کرده است.

بنگرید به: الفصول المختارة، ص ۷۸ - ۸۰.

۲. اوائل المقالات، ص ۸۲ - ۸۳؛ مسار الشيعة «المسائل السروية»، ص ۹۸ - ۱۰۱؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید،

ص ۳۴۰ - ۳۴۲، ۳۴۳ - ۳۴۴.

۳. اوائل المقالات، ص ۸۲، ۸۳، ۸۵ - ۸۶؛ الفصول المختارة، ص ۶۷؛ النکت الاعتقادیة، ص ۵۱ - ۵۳.

۴. منابع پیشین، همان جا؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۳۴۸ - ۳۵۴.

به صورت بدن در این دنیا در قبر معذب خواهد بود و این اختصاص به کافران دارد. اینکه دو فرشته بر اهل قبور فرود می‌آیند و از آنان در خصوص اعتقاداتشان پرسش می‌کنند، بنا بر احادیث شیعی صحیح است.<sup>۱</sup>

او پس از بحث و سخن درباره معاد و مسائل مرتبط با آن، رشته مطالب را به حساب و کتاب آدمیان در روز قیامت اختصاص می‌دهد و می‌گوید اعمال و رفتار آنان میزان پاداش و عذاب و عقاب آنان خواهد بود. البته خداوند در این روز کردار بندگان را دقیق محاسبه خواهد کرد، ولی با توجه به اصل شفاعت که پیش‌تر بدان اشارت رفت، حق تعالی بر پایه جود و کرم و عدل با آدمیان رفتار خواهد کرد.<sup>۲</sup>

بنا بر نظرگاه شیخ، برخی از مفاهیم و تعبیری که در قرآن آمده جنبه استعاره و مجاز دارد که سخن گفتن اندام و جوارح و گواهی دادن آنها و یا اینکه در آیه یازدهم سوره فصلت زمین و آسمان اظهار اطاعت کرده‌اند، از این قبیل است. نمی‌توان گفت که زمین و آسمان یا اندام و جوارح به لفظ سخن گفته‌اند<sup>۳</sup> و اینها بیشتر معانی کنایی و استعاره‌ای دارد.

### جایگاه و منزلت انسانها از لحاظ ایمان و اعتقادات

محوری‌ترین موضوع این مبحث منزلت مرتکبان گناهان کبیره و جایگاه آنان از لحاظ نام و عنوان است. آیا آنها را می‌توان مؤمن نامید؟ آیا آنها کافرند یا در گروه سومی جای می‌گیرند و فاسق قلمداد می‌شوند؟ مرجئه، خوارج و معتزله و دیگر فرقه‌ها هر یک نظری دارند و ادله‌ای ارائه کرده‌اند، اما شیخ مفید، برخلاف معتزله و خوارج، ایمان و اسلام را یکی ندانسته و معتقد است این دو از هم جداست، یعنی هر مؤمنی مسلمان است و هر مسلمانی مؤمن نیست. از این رو، مرتکبان گناه کبیره اگر اهل ایمان و معرفت و اقرار بوده باشند در زمره مؤمنان جای می‌گیرند، ولی به سبب گناهانشان مرتکب عمل فسق شده‌اند و فاسق خوانده می‌شوند، هر چند به صورت کلی مسلمان نامیده می‌شوند. البته شیخ در اطلاق کلمه مؤمن به مفهوم

۱. مسار الشیعة «المسائل السرویة»، ص ۶۲ - ۶۵؛ تصحیح الاعتقاد، ص ۹۸ - ۱۰۱؛ اوائل المقالات، ص ۷۶ - ۷۷؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۳۵۷ - ۳۶۰.

۲. اوائل المقالات، ص ۷۸؛ تصحیح الاعتقاد، ص ۱۰۸ - ۱۱۴؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۳۵۰.

۳. اوائل المقالات، ص ۱۲۵؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۳۶۴.

حقیقی کلمه تردید دارد.<sup>۱</sup>

شیخ مفید رابطه خدا و انسان را بر مبنای دوستی و دشمنی به گونه‌ای ظریف و لطیف مورد بحث قرار داده و می‌گوید: دوستی بنده نسبت به خداوند، اطاعت از دستوره‌های الهی، سپاسگزاری از نعمتهایی که به او عطا فرموده و اقرار به معرفت و یکتایی خداوند است. دشمنی نیز آن است که آدمی به خدای متعال کفر ورزد، نافرمانی و سرکشی کند و نعمتها و الطاف او را منکر شود و هیچ انگارد.<sup>۲</sup> اما دوستی خداوند نسبت به بندگان بدین صورت است که آنان را به سمت و سوی اعمال نیک و خیر و دستیابی به پاداش متناسب با آن برمی‌انگیزد و ترغیب و تشویق می‌کند و برعکس، دشمنی خداوند این گونه است که او را به کاری که مستوجب عقوبت و کیفر است، وادار می‌سازد و استحقاق دستیابی به پاداش، کارهای نیکش را از وی سلب می‌کند و از اعمال و رفتار ناشایست او دوری می‌جوید و لعن و نفرینش می‌کند.

اینکه گفته شود، خداوند ممکن است دشمن کسی باشد که بعدها دوست او گردد و یا دوست کسی شود و بعدها دشمن او باشد صحیح نیست، زیرا دوستی و دشمنی خدا این گونه نیست و زمانی که خداوند دوستی خود را به کسی ارزانی می‌دارد آن را پس نمی‌گیرد. بنابراین اصل، کسی که در سرتاسر زندگی خود خداوند را شناخته و به او ایمان آورده، قطعاً با ایمان از دنیا خواهد رفت و کسی که در حال کفر از دنیا برود، او در هیچ لحظه‌ای به خداوند ایمان نداشته و این دیدگاه با روایتهایی که از ائمه (ع) در دست است، مطابقت دارد.<sup>۳</sup>

بنابر نظر شیخ مفید، کسانی چون مجبره که آموزه‌های اعتقادی‌شان با عدل مغایرت دارد، خداوند را نشناخته‌اند و از ایمان خارج‌اند و به اهل کفر تعلق دارند. اعمالی که برای تقرب به خدا انجام می‌دهند، سودی به حالشان ندارد و پرداخت صدقه به اینان جایز نیست.<sup>۴</sup> او اطاعت کورکورانه در اعتقادات را نکوهش می‌کند و می‌گوید: ایمان و اعتقادی که از راه برهان و

۱. اوائل المقالات، ص ۴۷ - ۴۸، ۸۴؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۳۱۳ - ۳۱۴؛ مسار الشیعة «المسائل السرویة»، پرسش ۱۱، اصحاب کبائر، ص ۹۶ - ۹۸.

۲. اوائل المقالات، ص ۱۱۷ - ۱۱۸؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۳۱۵ - ۳۱۶.

۳. اوائل المقالات، ص ۴۷ - ۴۸، ۸۳ - ۸۴؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۳۱۷ - ۳۱۸.

۴. مسار الشیعة «المسائل السرویة»، مسئله هفتم، ص ۶۹ - ۷۰؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۳۲۱.

استدلال به دست نیامده باشد ارزشی ندارد.<sup>۱</sup>

شیخ بدعت‌گذاران را در زمره کافران شمرده و بر این نکته تأکید می‌کند که اگر امام این دسته را از راه استدلال و برهان دعوت به حق نمود، اما آنان از راه و روش و آیین خود دست برنداشتند و توبه نکردند، مرتد شده‌اند و امام می‌تواند آنان را به قتل برساند. او کسانی را که بر ضد علی(ع) جنگیده‌اند، خوارج (خروج کنندگان) و مارقین (از دین برگشتگان) و قاسطین بصره و شام را همگی گمراه و مخلد در آتش دانسته است.<sup>۲</sup> شیخ در تعریف اسما و احکام نظیر تمایز میان اسلام و ایمان و تأکید بر معرفت در مسئله ایمان و منزلت بینابینی مرتکبان گناه کبیره با فرقه مرجئه اشتراکات و همانندیهایی دارد.

### شناخت انسان و تکالیف اخلاقی او بر پایه عدل الهی

انسان با توجه به استعداد و تواناییهایش، آرمانها و اهدافی که در زندگی دنبال می‌کند و نیز امتیاز و مزیت‌هایش نسبت به سایر موجودات، همواره موضوع بحث ادیان و مکاتب مختلف بوده است. از این رو، متکلمان و فیلسوفان اسلامی به شناخت ماهیت و هویت انسان عنایت ویژه‌ای مبذول داشته‌اند که شیخ مفید هم یکی از آنهاست. شیخ مفید در تعریفی که از انسان ارائه کرده، او را موجودی روحانی و معنوی معرفی کرده و معتقد است انسان قائم به نفس است.<sup>۳</sup> انسان دارای جاذبه‌های معنوی و روحی و تواناییهای بالقوه برای رسیدن به کمال، موجودی دارای اختیار و آزادی عمل در حوزه‌های مختلف زندگی و برخوردار از نیروهای نفسانی و شهوانی چون عاطفه و محبت، خشم و غضب، میلها و گرایشهای مختلف، و نیز در دستیابی به مقصود خویش و ساماندهی کارهای زندگی، نیازمند ابزارها و وسائل است.

شیخ همه این اوصاف را به روح که ماهیت و حقیقت انسان است و به او علم و قدرت می‌بخشد، مربوط دانسته است. بنابر نظرگاه او آن گاه که روح از بدن جدا می‌شود، دو حالت برای او متصور است: یا معذب خواهد بود؛ یا به آسایش و آسودگی می‌رسد. مقصود از انسان

۱. اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۳۲۲ - ۳۲۳ و الفصول المختارة، ص ۱۱۲ - ۱۱۳. در این مأخذ، تقلید بدون برهان و استدلال نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۲. اوائل المقالات، ص ۴۲ - ۴۳، ۴۹؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۳۲۵ - ۳۲۶.

۳. مسار الشیعة «المسائل السرویة»، مسئله چهارم، ماهیت انسان، ص ۵۸ - ۶۰.



نیز همان جوهر بسیط یا روح است که ثواب و عقاب، دستورها و فرمانها، وعد و وعید و دیگر اموری از این دست متوجه اوست.<sup>۱</sup>

البته روح برای ادامه حیات به وجود خداوند که زندگی و حیات را ارزانی می‌دارد وابسته است، چرا که اگر این بخشندگی متوقف گردد، مرگ که ضد زندگی است درمی‌رسد. از این رو، روح برای موجودیت و بقا هر لحظه و هر زمان به خداوند نیازمند است.<sup>۲</sup> بنابر دیدگاه شیخ، فعلی که از انسان سر می‌زند، ممکن است براساس نیتی که از خاطرش گذشته صورت گرفته باشد و ممکن است چنین نباشد، بلکه اقدام به عمل و کاری کند که به ذهن او خطور نکرده است.<sup>۳</sup> و اساساً هر فعلی از آن حیث که فعل است با ترک و نیت تلازم ماهوی و منطقی ندارد و البته موضوع قصد و نیت در اعمال عبادی و طاعات انسان چیز دیگری است، زیرا اعمالی شایسته پاداش است که با قصد قربت انجام گیرد و در این نوع قصد، انسان اعمال را از روی اختیار قطع نکرده و آن را از روی عمد ضایع و تباه نمی‌سازد.<sup>۴</sup>

شیخ در مسئله اختیار بر این عقیده است که خواستن و اراده کردن چیزی، کاری و امری همان اختیار یا برگزیدن آن است و گزینش همان خواستن است و به طور کلی مختار به کسی گفته می‌شود که توانایی انجام فعل یا ترک آن را داشته باشد، و در ادامه می‌افزاید که اراده همان قصد به وجود آوردن یکی از دو فعل متقابل و متضاد است که به ذهن شخص خطور کرده است و مراد همان فعل است و اراده با فعل اراده شده لازم و ملزوم یکدیگرند و اراده که سبب فعل اراده شده می‌باشد، همزمان با هم بوده و هیچ‌گاه جدای از یکدیگر نیستند.<sup>۵</sup>

استطاعت برای انجام فعل یکی دیگر از مسائلی است که شیخ بدان پرداخته و بر این نظر است که استطاعت همان صحت و سلامت و تندرستی است، یعنی طاقت و قدرت می‌باید پیش

۱. منبع پیشین، همان جا؛ تصحیح الاعتقاد، ص ۷۹ - ۸۰. شیخ درباره نفس و روح و خلق ارواح و اجساد در همین کتاب به تفصیل سخن رانده است. بنگرید به: همان کتاب، ص ۷۹ - ۹۱؛ مسار الشیعة «المسائل

السرویه»، ماهیت انسان، ص ۵۷ - ۶۱

۲. منابع پیشین، همان جا.

۳. اوائل المقالات، ص ۱۳۱؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۲۱۳ - ۲۱۴.

۴. اوائل المقالات، ص ۹۳؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۲۱۵.

۵. اوائل المقالات، ص ۱۱۲ - ۱۱۳؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۲۱۷.

از انجام فعل بر فاعل وجود داشته باشد، و هنگامی که تندرستی او از بین برود در نتیجه استطاعتی برای انجام فعل وجود نخواهد داشت.<sup>۱</sup> البته ممکن است فردی مستطیع برای انجام دادن فعل باشد، ولی ابزارها و وسایل آن را در اختیار نداشته باشد یا در عین استطاعت عاملی مانع انجام فعل وی گردد. در هر صورت موانع و وسایل فعل را از میان می‌برد و در استطاعت خللی ایجاد نمی‌کند. برای نمونه ممکن است مردی استطاعت ازدواج داشته باشد، ولی زنی را برای همسری اختیار نکند، یا مستطیع برای حج باشد، ولی بر اثر موانع یا اوضاع و احوالی خاص به حج نرود.<sup>۲</sup>

شیخ درباره چگونگی ایجاد فعل و سببهایی که در اثر آن متولد می‌شود مطالبی ابراز داشته و معتقد است برخی افعال از سببهایی تولید می‌شوند. برای مثال، شخصی که به دیگری ضربه می‌زند، این ضربه در اثر نیرو و حرکت شخص ضارب به وجود آمده و دردی که در شخص مضروب ایجاد می‌شود، در اثر ضربه به وجود آمده است. بسیاری از افعال نظیر مثال بالا، بر اثر سلسله‌ای از سببها و ضرورتاً در پی هم و در اثر فعل پدید می‌آیند که در حقیقت از فعل شخص اراده‌کننده و صاحب سبب تولید می‌شوند و ضروری نام می‌گیرند.<sup>۳</sup>

کیفیت ایجاد علم و ادراک در انسان از راه حواس نکته دیگری است که شیخ مفید در باب آن سخن رانده و آنها را در سه حالت تبیین می‌نماید.<sup>۴</sup> حالت اول آن است که ادراک و احساس برای شخص در اثر سببی از طرف خدای متعال حاصل می‌شود. برای مثال، شنیدن و دیدن بانگ رعد و برق، صداهای باد و طوفان، گرما و سرما و اموری از این دست از مواردی هستند که بندگان را در احساس آنها اختیاری نیست و ضرورتاً برای شخص احساس‌کننده به وجود می‌آیند. البته شیخ تصریح می‌کند که خداوند به واسطه عمل و کار اعضا و اندام موجود در بدن افعال را در شخص ایجاد می‌کند. برای مثال، شناخت و تشخیص رنگها برای کسی که فاقد این حس است محال و غیر عقلانی است.<sup>۵</sup>

۱. تصحیح الاعتقاد، ص ۶۳ - ۶۴؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۲۲۲ - ۲۲۳.

۲. منابع پیشین، همان جا.

۳. اوائل المقالات، ص ۱۰۳ - ۱۰۴؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۲۲۸ - ۲۲۹.

۴. اوائل المقالات، ص ۹۰؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۲۳۲ - ۲۳۳.

۵. اوائل المقالات، ص ۹۰، ۱۳۷ - ۱۳۸؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۲۳۲ - ۲۳۳.

امیال و شهوات در انسان و جانوران و گرایش طبع آنان به خوشیها و نفرت آنان از رنجها و ناخوشیها، با یکدیگر تشابه و تفاوتی دارد. شیخ معتقد است هدایت امیال و شهوت‌های طبیعی در جانوران فطری و غریزی است، اما در انسان هر دو عامل طبیعی و اختیاری وجود دارد.<sup>۱</sup> او در مورد گرایش ایمان و کفر در انسان و اینکه این دو می‌توانند بدل از یکدیگر قرار گیرند، بر این نکته تأکید می‌ورزد که انسان در حالی که مؤمن است نمی‌تواند کفر را جایگزین و بدل آن سازد و همچنین ایمان نمی‌تواند بدل کفر قرار گیرد، چون ایمان و کفر متضاد یکدیگرند و دو ضد در زمان و مکان واحد با هم نمی‌توانند وجود داشته باشند. اما اینکه در آینده کفر جانشین ایمان گردد و یا ایمان جایگزین کفر واقع گردد، به لحاظ عقلی محال نیست.<sup>۲</sup> او درباره طبع و ختم که یکی از آموزه‌های قرآنی است بر این باور است که مهر نهادن بر قلوب و دل کافران بدین معناست که اینان به اختیار و بدون اکراه و اجبار و از روی عمد به پیام و تعالیم الهی بی‌اعتنا هستند. از این رو، ختم و طبع یا مهر و موم کردن دل‌های چنین کسانی رواست و این با اصول و مبانی مذهب اهل عدل ناسازگاری ندارد.<sup>۳</sup>

عوض دادن به رنجی که بندگان خدا در موارد مختلف بدان مبتلا می‌شوند، یکی دیگر از مسائل اختلافی میان فرقه‌های کلامی است. شیخ در این زمینه معتقد است خداوند مصلحت بندگان را به بهترین و مطلوب‌ترین روش عملی می‌سازد. از این رو، هنگامی که بندگان دچار درد و رنج می‌شوند، بنابر مصالح حکیمانه است و این الم یا رنج در عوض نفعی که خداوند به بنده‌اش می‌رساند، اجتناب‌ناپذیر است. او می‌افزاید: حال اگر به کسی رنجی رسد که به مصلحت شخص دیگری باشد، عوض دادن به شخص رنج‌دیده شایسته عدل است و اگر این شخص مؤمن باشد، عوض بر او واجب است. صورت دیگر آن است که غیر مؤمنی از رنج دیدن مؤمنی نفعی و سودی به دست آورد. در این حالت، خداوند می‌باید به شخص رنج‌دیده عوض دهد. اما اگر کسی که مبتلا به رنج شده، کافر بوده باشد، شخص رنج‌دیده سزاوار عوضی نخواهد

۱. اوائل المقالات، ص ۱۰۶؛ مسار الشیعة «المسائل السرویة»، ص ۶۰ - ۶۱؛ تصحیح الاعتقاد، ص ۷۹. شیخ درباره حقیقت روح و نفس و خصوصیات آنها در سه منبع یاد شده سخن رانده است.

۲. اوائل المقالات، ص ۱۰۶ - ۱۰۷؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۲۴۰.

۳. اوائل المقالات، ص ۱۱۶ - ۱۱۷؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۲۴۱.

بود، چرا که شاید این رنج به مقصود کیفر و مجازات او و به صلاح وی باشد.<sup>۱</sup> شیخ مفید بنا بر برداشتهای کلامی خود در خصوص عوض دادن به جانوران بر این نظر است که خداوند می‌باید، بنا بر جود و کرم خویش، برای رنجهایی که بهائیم بدان مبتلا می‌شوند، به آنها عوض دهد و این مبتنی بر این اصل است که خداوند به خیر آفریده‌های خود عمل کرده و می‌کند.<sup>۲</sup>

### قرآن، حقانیت و اصالت آن

قرآن کتاب مسلمانان و حاوی همه‌ی معارف و حقایق الاهی و دربرگیرنده همه‌ی نکته‌ها و ظرایف دقیق اخلاقی، اجتماعی و عرفانی، فلسفی و حقوقی است. قرآن کتاب راهنمایی و هدایت بشر است و عمل به آموزه‌ها و تعالیم آن سعادت و خوشبختی بشر را تضمین می‌کند. اعجاز قرآن از وجوه و جنبه‌های مختلف قابل بررسی است. پیش‌تر در مبحث نبوت به اعجاز قرآن اشاراتی رفت، اما شیخ مفید قرآن را از ابعاد و زوایای دیگر هم مورد توجه قرار داده که حادث بودن قرآن یکی از آن موارد است. او معتقد است رشته سخن و کلام ترکیب شده از آواها و ترتیب و تنظیم آنها بر رشته‌ای از مفاهیم و معانی است. وی بر این مطلب تأکید می‌کند که آوا و صوت از اعراض به شمار رفته و کلام چون عرض است نمی‌تواند بقا و دوام داشته باشد و ابدیت برای عرض محال است، البته او از به کار بردن واژه مخلوق در مورد قرآن به سبب آنکه این کلمه در آیات و روایات نیامده، خودداری ورزیده و تصریح می‌کند که قرآن کلام خداوند، وحی از جانب خداوند به پیامبر(ص) و محدث است.<sup>۳</sup>

او درباره متن قرآن آرا و اقوال فرقه‌ها و عالمان و متکلمان مختلف را مورد بحث و بررسی قرار داده و سرانجام به این نتیجه می‌رسد که در قرآن تغییر و تبدیل و یا افزایش و کاهش صورت نگرفته و بی‌شک متن قرآن کلام و وحی خداوند است و هیچ جزئی از آن کلام بشر نیست و از دخل و تصرف آدمیان مصون و محفوظ مانده است. آنان که گفته‌اند کلمات و عبارات قرآن کمتر یا زیادتر شده یا جابه‌جایی در آن صورت گرفته خبرهای متقن، متواتر و مسلم نیست و اخبار واحدی هم که در این زمینه‌ها موجود است قابل اعتماد و اعتنا نیست،

۱. اوائل المقالات، ص ۱۰۹؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۲۴۴ - ۲۴۶.

۲. اوائل المقالات، ص ۱۱۰؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۲۴۸ - ۲۴۹.

۳. اوائل المقالات، ص ۶۳ - ۱۲۶؛ تصحیح الاعتقاد، ص ۱۲۰ - ۱۲۳؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۱۱۹ - ۱۲۱.

چون راوی واحد ممکن است در نقل این گونه خبرها مرتکب خطا و اشتباه شده باشد.<sup>۱</sup>

### طبیعت و خصوصیات آن از نگاه شیخ مفید

آرا و نظریات شیخ در باب طبیعت بیشتر رنگ و بوی کلامی دارد. با اینکه او در تعریف و توصیف‌های خود از مفاهیم و تعابیر فلسفی استفاده می‌کند، ولی در مجموع فاقد یک نگرش منسجم فلسفی نسبت به جهان هستی است. او معتقد است که ذرات از جنس یکدیگرند و تفاوت و اختلافشان در اعراض است. او ذره را دارای حجم، اندازه و مکان دانسته و در نظر او ذرات به وسیله این خصوصیات از یکدیگر متمایز می‌شوند. هر جا که شیخ واژه جواهر را به کار برده، مقصود او همان ذرات است و این دو واژه از نظر وی به یک معناست. شیخ در ادامه می‌افزاید: ذرات از آن حیث که در حرکت و سکون اند محتاج مکان هستند. در غیر این صورت، به مکان نیازی ندارند. شیخ محیطی را که شیء را در میان گرفته، مکان می‌نامد و تصریح می‌کند که ذره جز در مکان حرکت نمی‌کند و حرکت را جابه‌جایی ذره در مکانها می‌داند.<sup>۲</sup>

وی جهان را پر از جواهر یا ذرات در نظر می‌گیرد و آنها را به گونه‌ای توصیف می‌کند و در کنار هم مجسم می‌نماید که جایی برای فضای خالی یا خلأ باقی نمی‌ماند. او بقای ذرات را برای زمانهای بسیار ممکن می‌انگارد، ولی در مجموع مانند سایر متکلمان، همه اجسام، اشیا، جهان و آنچه را در آن موجود است محدث می‌داند.<sup>۳</sup>

بنابر دیدگاه او، معدوم هر چیزی است که ماهیت و عینیت آن نفی شده و نتوان صفت موجود را بر او اطلاق نمود. برای عدم نیز نامی نمی‌توان برگزید. وی بر این عقیده است که ذره یا جوهر و عرض مکمل یکدیگرند و جوهر حامل عرض است و هر عرض نماد جوهر خود است و جوهر و عرض بدون یکدیگر نمی‌توانند بقا و وجود داشته باشند. ولی اعراض بدون جوهر و خود به خود نمی‌توانند بقا و دوام داشته باشند و فعلیت و موجودیت آنها متکی و

۱. النکت الاعتقادیة، ص ۴۲؛ مسار الشیعة «المسائل السرویة»، صیانت قرآن از تحریف، ص ۷۸ - ۸۰، آنچه میان دو پاره یا در جلد قرآن است بدون افزایش و کاهش است، ص ۸۱ - ۸۲، وحدت و یکدستی و درستی قرآن از زیادت و نقصان، ص ۸۲ - ۸۴ و منابع پیشین، همان جا؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۱۱۷ - ۱۲۰، ۱۲۱ - ۱۲۵.

۲. اوائل المقالات، ص ۹۵ - ۹۷؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۶.

۳. اوائل المقالات، ص ۹۶ - ۹۷، ۱۰۰؛ النکت الاعتقادیة، ص ۲۷ - ۲۸، ۳۱ - ۳۲. شیخ به حادث بودن کلام خداوند یعنی قرآن هم اشاره می‌نماید: اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، همان جا.

موکول به بقا و وجود جوهر است.<sup>۱</sup>

شیخ برای زمان دو تعریف ارائه می‌دهد: یکی با عنوان زمان خاص به معنای وقت چیزی، کاری، امری؛ و دیگری با عنوان زمان عام که به حرکت افلاک نسبت داده می‌شود. از این رو، افلاک برای وجود خود به وقت و زمان به مفهوم خاص نیاز ندارند. وی تصریح می‌کند که خداوند واجب الوجود است، همیشه بوده و خواهد بود و او غیر زمانی است.<sup>۲</sup> زمان نیز پس از آفریده‌ها و حرکات افلاک آسمانی قابل فهم و درک است.<sup>۳</sup>

شیخ معتقد است از ترکیب ذرات و نحوه قرار گرفتن آنها در کنار یکدیگر، اجسام با اشکال مختلف پدید می‌آید. نحوه این ترکیب در سه حالت درازا، پهنا و ژرفا فعلیت می‌یابد. هشت ذره کمترین تعدادی است که با آن جسم در سه بعد طول و عرض و عمق شکل می‌گیرد و پدید می‌آید. او حرکت را همان حرکت مکانیکی یعنی جابه‌جایی جسم در مکان دانسته و بر این نظر است که جسم متحرک می‌باید از دو مکان عبور کند و نمی‌تواند ایستاده گذر کند و ذره نیز نمی‌تواند در لحظه واحد دارای دو حرکت و یا در زمان واحد در دو مکان باشد.<sup>۴</sup>

شیخ تغییرات و فعل و انفعالات اجسام را مربوط به علت مادی و فیزیکی آنها می‌داند و دخالت مستقیم خداوند را در جریانها و رویدادهای طبیعی و نیز این نکته را که خداوند علت مستقیم این تغییرات است غیر عقلانی می‌انگارد و چنین استدلالهایی را برهانی و منطقی نمی‌داند. او آسمان و زمین و آنچه را در میان آنهاست، مجموعه عالم توصیف کرده و بر این نکته تأکید می‌ورزد که زمین کروی است و در وسط افلاک قرار گرفته و خورشید و ماه و ستارگان بر گرد زمین می‌چرخند. این نظریه نجومی که تقریباً اندیشه غالب متکلمان و فیلسوفان در آن دوره‌ها بوده، برگرفته از آرا و افکار نجومی بطلمیوس است.<sup>۵</sup>

وی معتقد است اشیا طبیعی دارند که براساس آن با اشیای دیگر وارد فعل و انفعال می‌شوند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. برای مثال، چشم و گوش با توجه به خاصیتشان اجسام

۱. اوائل المقالات، ص ۹۶ - ۹۸؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۲۶۵ - ۲۶۶.

۲. اوائل المقالات، ص ۱۰۰ - ۱۰۱؛ المسائل العکبریة، پرسش ۱۷، ص ۶۵ - ۶۶.

۳. منابع پیشین، همان جا.

۴. اوائل المقالات، ص ۹۶، ۹۷ - ۹۸ و ۱۲۹؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۲۷۴ - ۲۷۵.

۵. اوائل المقالات، ص ۹۹ - ۱۰۰؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۲۸۲ - ۲۸۵.

و محیط اطراف را حس می‌کنند و صدای آنها را می‌شنوند. آتش به سبب خاصیت طبیعی می‌تواند اجسام و اشیای دیگر را بسوزاند. این خاصیت‌های طبیعی در همه اجسام، اشیا و مواد دیده می‌شود. وی در باب عناصر چهارگانه بر این نظر است که همه اجسام از چهار طبع یعنی گرمی، سردی، تری و خشکی ترکیب یافته‌اند و اگر تجزیه شوند، این طبعها یا عناصر در آنها یافت می‌شود و یا می‌توانند به یکدیگر تبدیل شوند.<sup>۱</sup>

ادراک و احساس از دیگر مقوله‌هایی است که شیخ در باب آنها بحث کرده و بر این باور است که ادراک بر اساس خاصیت و طبیعت اجسام، رنگها و اعراض شکل می‌گیرد و نفس از طریق حواس اشیا را درک می‌کند. برای مثال، در عمل دیدن، جسم سبب قبض و بسط در چشم می‌شود و آن جسم در محیط بینایی ما قرار می‌گیرد و چشم می‌تواند آن را ببیند. به طور کلی شخص عامل درک و دریافت است و احساس در نتیجه تماس اندام حسی با محسوس شکل می‌گیرد. برای مثال، صوت در هوای نزدیک به اجسام جابه‌جا می‌شود تا به گوش برسد و توسط اندامهای حس شنوایی شنیده شود.<sup>۲</sup>

وی در ادامه تصویری فیزیکی از بو و مزه به دست می‌دهد و اظهار می‌دارد که از اجسام بودار، ذرات لطیف و رقیقی در هوا پراکنده و وارد بینی ما می‌شود و اندام بویایی بو را درک می‌کند و حس مزه و چشایی در اثر تماس ماده چشیدنی و فعل و انفعالات آن با رطوبت زبان و کام به وجود می‌آید. به همین صورت، هر حسی از حواس پنج‌گانه از طریق تماس و اتصال اندام حسی مربوط با محسوس بر اساس خصوصیات فیزیکی و طبیعی ویژه خود و طرز کار اندام حسی مخصوص شکل می‌گیرد.<sup>۳</sup>

حال رشته سخن را با طرح آرا و نظریات اصولی و فقهی شیخ مفید دنبال می‌کنیم.

### نظرگاههای اصولی و فقهی

همان گونه که پیش‌تر هم بدان اشارت رفت، فقه امامیه تا پیش از شیخ مفید جنبه حدیثی و نقلی داشت. محدثان احادیث فقهی را از متون روایی استخراج می‌کردند و احکام شرعی را

۱. اوائل المقالات، ص ۱۰۱ - ۱۰۲؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۲۸۵ - ۲۸۷.

۲. اوائل المقالات، ص ۱۳۷ - ۱۳۸؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۲۸۸ - ۲۹۱.

۳. اوائل المقالات، ص ۱۳۸؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۲۹۲.

با همان الفاظ و عبارات حدیث به شاگردان و پیروان خود می‌آموختند. البته ابن ابی‌عقیل عمانی و ابن جنید اسکافی دو فقیهی بودند که با شیوهٔ اجتهادی به کندوکاو در مسائل فقهی و شرعی می‌پرداختند، ولی تفکر حدیثی بر محیط فقهی شیعه کاملاً غالب و مسلط بود و گرایش فقه اجتهادی و استدلالی در مرتبهٔ ضعیف‌تر و فروتری قرار داشت. برای نشر و گسترش اندیشهٔ فقه استنباطی و استدلالی می‌باید این فضا تغییر می‌یافت. شیخ مفید با شایستگی تمام از عهدهٔ این مهم برآمد. او با انتقادهای عالمانه و محققانهٔ خود، ضعفها و کاستیهای روش فقه حدیثی را در پاسخگویی به مسائل نو و جدید آشکار ساخت و راهی نو در برابر فقه و فقیهان گشود.<sup>۱</sup> در این مبحث، ما دریافته‌ها و برداشتهای اصولی و فقهی شیخ را ذیل این عناوین از نظر خوانندگان می‌گذرانیم.

### منابع و مبانی استنباط احکام فقهی

بنابر دیدگاه شیخ، قرآن، سنت و سخنان ائمه (ع) منابع و ادلهٔ احکام‌اند و برای درک و کشف حقایق و مقاصد شارع از این سه منبع، باید از عقل کمک گرفت. عقل نیز در کاوشها و استدلالهای خود از قواعد زبانی بهره می‌گیرد. این قواعد در علم اصول تحت عنوان مباحث الفاظ تدوین و تنظیم می‌شود. این علم دربارهٔ دلالت لفظی وضعی، تقسیمات وضع، تقسیمات الفاظ، تعاریف کلی، جزئی و حقیقی و اضافی، مترادفات، اشتراکات لفظی و معنوی، حقیقت و مجاز و انواع آن و عام و خاص بحث می‌کند. شیخ به این موضوعات اشاره می‌کند و برای نوع کاربرد آن در استنباط احکام مثالهایی می‌آورد. برای نمونه، او در مبحث عام و خاص بر این باور است که برخی از عبارات و تعابیر و مفاهیم در نظر اول عام و کلی به نظر می‌رسند، اما اینکه بر مخاطب معلوم گردد که مقصد شارع از بیان این الفاظ و عبارات چیست، نیازمند قرائن، نشانه‌ها و اماراتی است که این تشخیص عام و خاص به کمک قواعد زبانی، تنها از راه برهان و استدلال عقلی به دست می‌آید.<sup>۲</sup>

۱. مجلهٔ حوزه «یادمان هزارهٔ شیخ مفید»، ص ۴۶ - ۵۴؛ ابوالقاسم گرجی، تاریخ فقه و فقه‌ها دورهٔ دوم عصر محدثان، ص ۱۲۴؛ حسن حبیبیان مقدم و دیگران، تاریخ تشیع، ج ۲، ص ۳۴۶؛ حبیب‌اله عظیمی، تاریخ فقه و فقه‌ها، ص ۱۵۵؛ دایرة المعارف تشیع، ج ۴، ص ۲۹۱ - ۲۹۵، ۳۰۳ - ۳۰۸.

۲. سلسله مؤلفات شیخ مفید، التذکره باصول الفقه، ص ۲۸، ۳۳ - ۴۲؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۳۷۶ - ۳۸۰.



تخصیص عام و دلیلی که ما برای این تخصیص ارائه می‌کنیم، براساس منابع یاد شده بالاست، بنابر نظر او، ما از طریق این تخصیص حکم خاصی را استخراج می‌کنیم. حال اگر ما قواعد عام و خاص را براساس مدلول و پیامهای قرآن و احادیث به درستی به کار نگیریم، مقصود شارع را خوب درک نکرده‌ایم.<sup>۱</sup>

شیخ در باب اجماع معتقد است اجماعی حجیت شرعی دارد که کاشف از قول معصوم باشد وگرنه اجماع به خودی خود دارای اعتبار نیست. شیخ قیاس را به دلیل نوع و شکل استدلالش برای استنباط احکام کارآمد نمی‌داند و این روش را ظنی و گمانی می‌انگارد و بر این نکته تأکید می‌کند که فقیه نباید به راههای غیر قطعی چون قیاس که یقین‌آور نیست، اتکا نماید. چون در حقیقت در عمل قیاس اجتهادی صورت نمی‌گیرد.<sup>۲</sup>

او در تدوین و گردآوری قواعد علم اصول کوشید و بر ضرورت به کارگیری آن در استنباط و استخراج احکام تأکید کرد. نقد او به روش حدیث‌گرایان این بود که آنان نمی‌توانند و نمی‌کوشند که از سطح و ظواهر احادیث عبور نمایند و عمق معنای آنها را درک کنند. بررسی احادیث از حیث سند و متن، چگونگی صدور آن و ثقه بودن راویان باید همواره مد نظر قرار گیرد. شیخ برای خبر واحد اعتباری قائل نیست و تصریح می‌کند که چنین اخباری ما را به قطع و یقین نمی‌رساند مگر آنکه به وسیله قرائن و شواهدی وثاقت راوی مدلل و قطعی شده باشد.<sup>۳</sup>

او توجه به دلالت و محتوا و مضمون احادیث را بسیار مهم تلقی کرده و معتقد است که ما می‌باید به کمک عقل، احادیث ضعیف و سقیم را از روایتهای محکم و قطعی تشخیص دهیم و اگر آنها با کتاب و عقل مغایرت دارند، از عمل به آنها اجتناب ورزیم. فقط احادیث متواتری که توسط عده‌ای از محدثان از طرق مختلف نقل شده و از نظر قواعد و ضوابط علم حدیث انتقال آنها به درستی صورت گرفته و در صحت و اصالت آن تردیدی نیست، در استنباط احکام حجیت و قطعیت دارد.

اما ناگفته نماند که شیخ در باب عقل بارها و در جاهای مختلف سخن گفته و به اعتبار و

۱. منابع پیشین، همان جا.

۲. الذکرة باصول الفقه، ص ۳۸، ۴۵؛ الفصول المختارة، ص ۸۱، ۱۰۶؛ اوائل المقالات، ص ۱۲۱، ۱۳۹.

۳. الذکرة باصول الفقه، ص ۴۴؛ اوائل المقالات، ص ۸۸-۸۹ و ص ۱۲۲؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۳۸۰-۳۹۳.

حجیت آن در موارد گوناگون اشاره کرده که حکم عقل به قبح عقاب بلا بیان، استصحاب عقلی لزوم وجوب رد ودیعه و قبح ظلم، دلیل عقلی اصل برائت، اصل اباحه و اصل حَظَر، دلیل عقل در حکم واقعی از آن جمله‌اند. ولی همان گونه که گفته شد، او عقل را به منزله ابزار مهم و استنباط احکام قبول کرده و معتبر شناخته، اما آن را با عنوان منبع و دلیلی مستقل در کنار دیگر منابع نیاورده است. البته همین که او تا این حد برای عقل ارزش و اعتبار قائل بوده بسیار حائز اهمیت است و به کارگیری آن در همین سطح گامی بلند در تاریخ فقه شیعه به شمار می‌آید.<sup>۱</sup>

ناسخ و منسوخ یکی دیگر از مقوله‌های بحث‌انگیز است که شیخ بدان پرداخته و بر این نظر است که این دو در قرآن وجود دارد. بعضی از احکام قرآن توسط برخی دیگر از احکام آن نسخ می‌شوند، ولی هیچ آیه و حکمی از قرآن با سنت، نسخ نمی‌شود. البته سنت به وسیله آیات قرآن و نیز سنت به وسیله سنت نسخ می‌شود. محکم و متشابه از دیگر مواردی است که شیخ نظرش را بدان معطوف داشته و بر این باور است<sup>۲</sup> که حجیت و قطعیت نصوص و الفاظ و عباراتی از قرآن که بر معانی دلالت قطعی و یقینی دارد، از محکومات قرآن به شمار می‌رود. متشابه نیز به آیاتی گفته می‌شود که از ظاهر آن به مراد و مقصود شارع جز با ادله عقلی و نقلی نتوان دست یافت.<sup>۳</sup>

نقد شکلی و محتوایی حدیث و تشخیص صحت و سقم آنها و نیز راهها و روشهای عقلی و نقلی که فقیهان و محدثان باید به کار گیرند تا احادیث مجعول و ضعیف را بشناسند و از عمل بدان بپرهیزند، از دیگر مباحثی است که شیخ بدان عنایت خاصی ورزیده و این مبحث را از ابعاد و زوایای گوناگون بررسی کرده که توجه به آنها، به ویژه در استنباط و استخراج احکام، بسیار حائز اهمیت است.<sup>۴</sup>

۱. اوائل المقالات، ص ۸۸ - ۸۹؛ التذکره باصول الفقه، ص ۲۸، ۴۲ - ۴۵.

۲. اوائل المقالات، ص ۱۲۲ - ۱۲۳؛ التذکره باصول الفقه، ص ۴۳ - ۴۴؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، خبر واحد،

ص ۳۹۴، احادیث متواتر، ص ۳۹۶، ناسخ و منسوخ، ص ۳۹۸ - ۴۰۲.

۳. مسار الشیعة، «المسائل السرویة»، مسئله هشتم، ص ۷۱ - ۷۶، ۹۰ - ۹۲؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید،

ص ۴۰۳ - ۴۱.

۴. منابع پیشین، همان جا.

## برخی احکام فقهی و شرعی

شیخ مفید در بسیاری از مسائل عملی صاحب رأی و نظر است. یکی از آنها فریضة امر به معروف و نهی از منکر در عصر غیبت امام زمان (ع) است. او با توجه به جمیع شرایط و رعایت نکات مهم چون به مصلحت بودن و مؤثر و مفید واقع شدن، انجام این تکلیف را با زبان واجب کفایی می‌داند، ولی توسل به قوه قهریه مانند شمشیر از اختیارات سلطان است یا کسی که از طرف او برای انجام و اجرای این اصل با استفاده از نیروی قهریه منصوب شده باشد.<sup>۱</sup>

او در عمل به تقیه معتقد است. هنگامی که جان و مال در خطر باشد، تقیه به صورت یک تکلیف شرعی درمی‌آید و عمل به آن واجب است.<sup>۲</sup> همان گونه که گفته شد، عمل به این تکلیف در حالتی است که مصلحت و ضرورتی در کار باشد. در غیر این صورت، عمل به آن جایز نیست. البته باید مواظب و مراقب بود که انجام این تکلیف به قتل مؤمن و مسلمانی منجر نشود و یا حیثیت و هویت مسلمانان به خطر نیفتد، چون در این صورت ضرورت و مصلحت بزرگ‌تر و مهم‌تری قربانی می‌گردد.<sup>۳</sup>

شیخ در مورد همکاری با ظالمان و ستمگران به شروط خاصی قائل است. همراهی کردن با ستمکاران به منظور احقاق حق یکی از آنهاست. اگر مسئولیتها و یا مناصبی از سوی این نوع حکومتها به شخص یا اشخاصی از شیعیان واگذار گردد، باید آن را در راه یاری رساندن به مؤمنان به کار گیرد و بکوشد آنان را از گزند حوادث و تعدی و تجاوز دور نگاه دارد و خود را نماینده و کارگزار حضرت ولی عصر (ع) بداند و نه حکومت فاسد و ستمگر، اما می‌باید از دارایی و اموالی که از طریق واگذاری منصب و سمت به دست می‌آورد، خمس پرداخت کند.<sup>۴</sup>

او در ادامه می‌افزاید: شخص در قبول مسئولیتها و مناصب اجتماعی و سیاسی و اداری باید دارای صلاحیت و لیاقت کافی باشد. در غیر این صورت، نمی‌تواند خود را منصوب شده از طرف امام بداند. نکته دیگر این است که او باید از حمایت و تقویت برادران ایمانی خود برخوردار باشد و حکومت را در تعدی و تجاوز و ستمگریهایش یاری نکند و از هر کاری که سبب گناه و

۱. اوائل المقالات، ص ۱۱۹؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۳۷۰.

۲. اوائل المقالات، ص ۱۱۸؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۳۷۲.

۳. منابع پیشین، همان جا.

۴. اوائل المقالات، ص ۱۲۰ - ۱۲۱؛ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص ۳۷۵.

معصیت می‌گردد، بپرهیزد و نباید احکام و قوانین مغایر و متضاد با شریعت را اجرا نماید و یا چنین قوانینی را وضع و تأسیس کند.<sup>۱</sup>

خمس و زکات از دیگر تکالیف مهم شرعی است که شیخ مفید در باب آن سخن رانده و پس از بحث و بررسی آرا و اقوال گوناگون که در این دو مورد وارد شده به این نتیجه می‌رسد که زکات در عصر غیبت باید در اختیار فقهای مورد اعتماد شیعه قرار گیرد تا طبق آنچه در شریعت گفته شده مصرف شود. اما درباره خمس که اختلاف دیدگاهها در آن گسترده‌تر است، شیخ بر این عقیده است که در خمس باید سهم امام را از آن قسمت دیگر خمس که به یتیمان، مسافران در مانده و سادات فقیر اختصاص می‌یابد، جدا کرد و نگهداری نمود تا در اختیار امام قرار گیرد، چون این بخش از خمس سهم امام و ملک اوست و بدون رضایت و اذن امام نمی‌توان در آن تصرف نمود.<sup>۲</sup>

### احکام قضایی و جزایی و آداب شرعی آن، اجرا و اقامه حدود

آرا و نظریات شیخ مفید در حوزه‌های امور قضایی و جزایی و قصاص، بنا بر آنچه از آثار و تألیفاتش فهمیده می‌شود، بسیار گسترده و متنوع است که خود می‌تواند موضوع کتاب و مقاله و رساله مستقلی قرار گیرد. در قلمرو علوم قضایی و جزایی، مسئله قتل و چگونگی ارتکاب به آن یکی از موضوعات بحث‌انگیز است که همواره ذهن فقیهان و حقوق‌دانان را به خود مشغول داشته است. شیخ مفید هم این موضوع را از ابعاد و زوایای گوناگون مورد توجه قرار داده که خلاصه آن بدین قرار است:

او معتقد است که اگر مسلمانی فرد ذمی را به قتل برساند، باید به پرداخت دیه محکوم گردد. اگر انسان آزاد به دست برده‌ای کشته شود، مولای او باید برده را در اختیار اولیای مقتول قرار دهد و آنان مختارند که او را به بردگی بگیرند یا به قتل برسانند.<sup>۳</sup> و چنانچه اولیای مقتول قصد قصاص قاتل را داشته باشند، این عمل باید با شمشیر و بدون قطع عضو، مثله کردن و یا شکنجه و آزار و اذیت بدنی و فقط توسط حکومت اقامه و اجرا گردد.

وی به چگونگی اثبات قتل به وسیله بینه و شاهد و گواهی دادن دو شاهد عادل یا سوگند

۱. همان.

۲. سلسله مؤلفات شیخ مفید، المقنعة (۱۴)، ص ۲۵۲، ۲۷۶ - ۲۷۷.

۳. همان، ص ۷۴۰.

پنجاه مرد از نزدیکان و بستگان مقتول هم اشاره کرده است.<sup>۱</sup> وی اجرا و اقامه قصاص را از وظایف حکومت دانسته و اقدام به این عمل را بدون کسب اذن و اجازه از امام نامشروع می‌داند،<sup>۲</sup> اما بر این مطلب تصریح می‌ورزد که اگر کسی شخصاً قاتل را قصاص کند و در این کار زیاده‌روی و تعدی ننماید، محکوم به قصاص نمی‌شود و دیه هم نخواهد داشت.<sup>۳</sup>

شیخ مفید در باب اوصاف و ادب قاضی، آداب قضاوت و دادرسی مطالب ارزنده‌ای را گوشزد می‌کند و رعایت نکات مهمی را ضروری می‌داند. او مرتبه و منزلت منصب قضاوت را بسیار عالی توصیف کرده و معتقد است قاضی باید عالم به علوم قرآن و دستور زبان و ادبیات عرب باشد و از معارف و حقایق و احکام قرآن آگاهی‌های وافر و کافی داشته باشد.<sup>۴</sup> زهد، تقوا و ورع، پرهیز از محرّمات و کوشش و پیگیری در انجام عمل صالح از دیگر اوصاف ضروری و اخلاقی است که قاضی حتماً باید واجد آنها باشد.<sup>۵</sup>

او در ادامه می‌افزاید: قاضی در هنگام دادرسی باید گفتار و کردارش با طرفین دعوا کاملاً یکسان باشد و پیش از ورود به محکمه وضو بگیرد، دو رکعت نماز گزارد و طرفین دعوا در دو طرف او بنشینند،<sup>۶</sup> به طوری که روبه‌روی قبله قرار گیرند. قاضی در زمانی که بر مسند قضاوت می‌نشیند نباید تحت تأثیر هیچ‌گونه عوامل فیزیکی، طبیعی و روانی و روحی قرار گیرد. برای مثال، نباید گرسنه، تشنه، خشمگین و اندوهگین باشد، اندیشه و ذهن او فقط باید متمرکز موضوع دعوا باشد و هیچ امر دیگری ذهن او را به خود مشغول نسازد. قاضی باید مواظب باشد که در همه مراحل دادرسی، از آغاز تا پایان، انصاف و عدالت و حق در خصوص طرفین کاملاً رعایت گردد. او حتی حق ندارد یکی را با نام و دیگری را با کنیه و لقب مخاطب قرار دهد.<sup>۷</sup>

پروژه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. همان، ص ۷۳۶.

۲. همان، ص ۷۶۰.

۳. همان، ۷۶۱؛ برای اقامه حدود بنگرید به: همان، ص ۸۱۰.

۴. همان، ص ۷۲۱.

۵. همان.

۶. همان، ص ۷۲۲.

۷. همان.

از او چیزی نپرسیده سخن نگوید. چنانچه قاضی فاقد خصوصیات ذکر شده باشد، نمی‌تواند حق و باطل را به درستی از یکدیگر تمیز دهد و حکم براساس حق و عدل صادر کند.<sup>۱</sup> شیخ در بخش دیات راجع به جرائمی چون قطع عضو هر یک از اندام و اعضای بدن از انگشتان دست گرفته تا بینی و چشم و سایر اجزای بدن به تفصیل سخن رانده<sup>۲</sup> و میزان و مقدار دیه هر یک از این گونه جرائم را تعیین نموده که به لحاظ فقهی و شرعی با کمیت و کیفیت جرم متناسب است.

او در مبحث حدود، رشته سخن را با طرح مسئله زنا آغاز می‌کند و تصریح می‌ورزد که چنانچه زناکار پس از اقامه شهادت شهود توبه کند، امام باید در مجازات او صلاح و مصلحت مسلمانان را در نظر گیرد و بنگرد اگر او را ببخشد یا حد بزند،<sup>۳</sup> کدام یک صلاح و منافع جامعه را بهتر تأمین می‌سازد و تأثیرات آن در پیشگیری از وقوع جرم کارآمدتر است. دیدگاه او راجع به دیگر اعمال مجرمانه هم نظیر عمل لواط، حکیمانه بوده و معتقد است امام، سلطان یا فقیه باید در اجرای حدود رعایت مصلحت جامعه را مبنا و پایه کار خود قرار دهد.<sup>۴</sup>

آرا و نظریات شیخ در باب بینات و شهود و شرایط آن هم قابل تأمل و تعمق است. اینکه شاهد چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد، شهادت چه کسانی قبول می‌شود، عدالت شهود و حضورشان در محکمه،<sup>۵</sup> استماع شهادت گواهان توسط قاضی،<sup>۶</sup> اقرار و سوگند و آداب و تشریفات که باید در هر کدام از آنها رعایت گردد<sup>۷</sup> و به چه نکاتی باید توجه شود، هر یک از این مباحث از عناوین متعددی تشکیل شده و ظرایف و دقایق بسیاری دارد که شیخ جزء به جزء آنها را برشمرده است.

همان گونه که پیش‌تر بدان اشاره رفت، این عالم و فقیه بلندآوازه شیعی در بسیاری از

۱. همان، ص ۷۲۳.

۲. همان، ص ۷۵۴ - ۷۶۰.

۳. همان، ص ۷۷۷.

۴. همان، ص ۷۸۷.

۵. همان، ص ۷۲۵ - ۷۲۸.

۶. همان، ص ۷۲۹ - ۷۳۰.

۷. همان، ص ۷۳۱ - ۷۳۳.

حوزه‌های زندگی خصوصی و عمومی نظرگاه‌هایی داشته است که این موضوع از پرسشهای فقهی و شرعی که از جاهای مختلف جغرافیای جامعه مسلمانان در آن روزگار برای او ارسال می‌شده، به خوبی فهمیده می‌شود<sup>۱</sup> برای نمونه او معتقد است که حکومت می‌تواند اجناس و کالای فرد محترک را در زمانی که مردم به کالای او نیاز دارند از انبارهای وی بیرون آورد و محترک را به فروش آنها ملزم سازد. البته حکومت در این اقدام خود باید به گونه‌ای رفتار کند که مالک کالا متحمل ضرر و زیان نشود.<sup>۲</sup>

مدارا و تساهل در شریعت اسلام راجع به مکلفان، سختگیری نکردن بر عاجزان و ناتوانان، مبارزه مؤثر و مفید با گناه و آثار آن، توجه به احکام ثانویه و اجتهاد، سوگند لغو و بیهوده و بی‌توجهی به آن در اثبات احکام، استحباب زکات در تمامی غلات و حبوبات، مصارف زکات فطره در جاهایی که به صلاح جامعه مسلمانان است، تقسیم و توزیع مالیات اسلامی از قبیل خمس، زکات و غیره<sup>۳</sup> به منظور رفع نیازمندیهای مسلمانان، توزیع و تقسیم غنائم<sup>۴</sup> برای تأمین نیازهای جامعه و آنجا که مصالح مسلمانان ایجاب می‌نماید، تطبیق و تقریب احکام و فقه مذاهب،<sup>۵</sup> «حبوه» و کاربرد فقهی و حقوقی آن در ارث و عقود به ویژه صلح حبائی، بیت‌المال و سرپرستی آنان و بسیاری موضوعات و مسائل فقهی دیگر که از حوصله و مجال این گفتار بیرون است، از جمله مواردی است که شیخ در باب آنها با بینش و نگرشی نو سخن رانده که بعدها راهگشای فقیهان در حوزه‌های فقه فتوایی و استدلالی قرار گرفته است.

## آثار و تألیفات

شیخ مفید از عالمان بسیار پرکار و پرتألیف بوده است. او آثار فراوانی در حوزه‌ها و رشته‌های مختلف علوم اسلامی نگاشته و به جهان اسلام عرضه کرده است. هر کدام از آنها بنابر موضوعات و مسائلی که در آنها طرح شده، واجد ویژگیها و برجستگیهای تحقیقی و نگارشی دقیق

۱. سلسله مؤلفات شیخ مفید، بنگرید به: «المسائل العکبریة»، «المسائل السرویة»، «المسائل الصاغانیة» و سایر مجموعه پرسشها و پاسخهایی که در این سلسله مؤلفات گردآوری شده است.

۲. المقنعة، ص ۶۱۶.

۳. همان، ص ۲۳۴ - ۲۵۳.

۴. همان، ص ۲۷۶ - ۲۷۹.

۵. همان، ۲۷۰؛ معاملات تجارت، ص ۵۸۶ - ۶۱۲ و عقود ایقاعات دیگر صفحات بعد.

و بدیع است که حاکی از تبحر و جامعیت او در شاخه‌ها و حوزه‌های مختلف علوم اسلامی است. منابع و متون رجالی و کتاب‌شناسی آثار و کتابهای او را فهرست کرده و تعداد آنها را از ۱۷۴ تا ۲۰۰ عنوان ضبط کرده‌اند. کتاب‌شناسان درباره نام و عنوان برخی از آثار مفید که البته تعدادشان زیاد نیست، شک و تردیدهایی کرده و یا حتی در انتسابشان به شیخ مفید یا شاگردان او با یکدیگر اختلاف نظرهایی دارند. در این مبحث، ما آثار و تألیفات شیخ مفید را براساس موضوعات آنها از نگاه خوانندگان می‌گذرانیم.

### آثار کلامی

اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات: این اثر ارزشمندترین نگاشته کلامی شیخ است که بسیاری از محققان و نویسندگان آن را از ابعاد و زوایای گوناگون مورد تحقیق و تتبع قرار داده‌اند. وی صفحات آغازین کتاب را به شناخت شیعه و معتزله و تفاوت میان آنها اختصاص داده، سپس درباره امامت و ولایت علی بن ابی‌طالب (ع) بر پایه عقل و نقل و مصالح مسلمانان به تفصیل سخن رانده، آن‌گاه به تبیین موضوعاتی چون رجعت و بداء، چگونگی تألیف قرآن، وعد و وعید، شفاعت، اسما و احکام و اسلام و ایمان می‌پردازد. چارچوب مسائل اعتقادی با محوریت توحید و صفات خداوند، عدل و مسائل مرتبط با آن، نبوت و عصمت انبیا، اعجاز قرآن، شناخت ائمه (ع)، مقام و موقعیت امامت و خصوصیات و مشخصات امام، از دیگر مباحث این کتاب است. وی در ادامه معاد و موضوعات مرتبط با آن را تشریح می‌کند و در پایان طبیعت و اوصاف و ویژگیهای آن، اجزاء ذرات، جواهر و اعراض و آنچه را مرتبط با طبیعت است مورد پژوهش قرار می‌دهد.

تصحیح الاعتقادات الامامیه: این کتاب هم یکی دیگر از تألیفات مهم و مفید کلامی اوست. شیخ در این اثر آرا و نظریات استاد خود شیخ صدوق را به شیوه استدلالی و برهانی بررسی و نقد می‌نماید. در حقیقت او رساله اعتقادی شیخ صدوق را اصلاح و تصحیح کرده و کتاب بنابر شکل و مضمون تصحیح الاعتقادات نامیده شده است. ابواب و موضوعات این کتاب بسیار متعدد و متنوع است و مباحثی چون توحید و صفات خداوند، جبر و تفویض، اراده و مشیت، قضا و قدر، فطرت و هدایت، استطاعت، بداء، نفوس و ارواح و قبر و قیامت و برزخ از مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود.

النکت الاعتقادیة: این اثر باز هم به مسائل کلامی و اعتقادی پرداخته و بسیاری شبهات



کلامی را تحت عناوین صفات ثبوتیه و سلبیه، اعراض و جواهر، تعریف و شناخت توحید و امامت، وعد و وعید و عناوین دیگر در قالب پرسش و پاسخ گردآوری نموده است.

### آثار اصولی و فقهی

التذکره باصول الفقه: این کتاب همان گونه که از نام آن پیداست، در بر گیرنده مباحث و مسائل علم اصول است. موضوعات مطرح شده در این کتاب چارچوب مبانی استنباط و استخراج احکام را از منابع اولیه یعنی قرآن، سنت پیامبر(ص) و سخنان ائمه(ع) تبیین نموده، به طوری که مخاطبان به اهمیت علم اصول و نقش کاربردی آن در استخراج و استنباط احکام پی می‌برند. شیخ در این کتاب منابع استنباط را تعریف کرده و درباره اقسام خبر، حقیقت و مجاز، امر و نهی، تخصیص، حجیت ظواهر کتاب، ناسخ و منسوخ و دیگر عناوین و مسائل اصولی که در اجتهاد و استنباط کاربرد دارد، بحث کرده است.

المقتعة: این اثر مهم‌ترین و جامع‌ترین تألیف فقهی شیخ به شمار می‌رود و همه فقیهان پس از او به ارزش علمی این کتاب اعتراف کرده‌اند. شیخ طوسی شرحی بر این کتاب با عنوان تهذیب الاحکام نگاشت که خود این امر اهمیت و جایگاه مقعده را در تاریخ فقه شیعه نشان می‌دهد. شیخ در صفحات آغازین کتاب راجع به اصول اعتقادات سخن می‌گوید و سپس به تشریح تفصیلی ابواب و مباحث فقهی مشتمل بر طهارت، صلو، زکات، خمس، جزیه، روزه، آداب و تشریفات حج، نکاح و طلاق، لعان و ظهار، انواع و اقسام عقود و معاملات، نظام قضایی، حقوقی و جزایی اسلام و مراحل دادرسی آن و دیگر موضوعات و مسائل متفرقه فقهی در حوزه‌های خصوصی و عمومی می‌پردازد. وی در این کتاب همه مباحث فقهی را براساس آیات و روایات طرح کرده و به شیوه عقلی و استدلالی و گاه با استفاده از اجماع به منزله یک روش مکمل برهانی در کنار دیگر ادله به تشریح آنها پرداخته و کوشیده است دو روش حدیثی و عقلی را به گونه‌ای ظریف و دقیق و ابتکاری با یکدیگر جمع کند. از تعمق و تأمل در مباحث این کتاب و دیگر پرسش و پاسخهای فقهی او چنین دانسته می‌شود که او به مقتضیات و ضرورت‌های زمان و مکان توجه خاصی مبذول نموده است.

### امام و امامت‌شناسی

در نظام اعتقادی شیعه موضوع امامت از اهمیت و جایگاه والا و ممتازی برخوردار است.

شیخ مفید از جمله نخستین عالمان و متکلمانی است که کتابی با عنوان الافصاح فی الامامة به رشته تحریر درآورده است. او در این اثر، نخست از تعریف امامت و شناخت خصوصیات و ویژگیهای امام، دلایل عقلی و نقلی بر وجوب امامت، اجماع مسلمانان درباره امام علی(ع)، خصوصیات و فضائل او و برتری آن حضرت از لحاظ علم، تقوا و دیگر خصوصیات فردی و اجتماعی بر سایر صحابه سخن رانده، آن گاه به شبهات و ابهامات طرح شده از سوی دیگر فرقه‌ها و مذاهب اسلامی در خصوص امامت با استناد به احادیث معتبر پرداخته است. او در ادامه مسئله امامت را از دیدگاه آیات متنوعی از قرآن از قبیل «والسابقون الاولون...» (آیه ۱۰۰ سوره توبه)، «وعد الله الذين آمنوا...» (نور، آیه ۵۵)، «سيقول لك المخلفون...»، «قل للمخلفين من الاعراب...» (آیه‌های ۱۵ و ۱۶ سوره فتح)، «يا ايها الذين آمنوا من يرتد منكم...» (آیه ۵۴ سوره مائده) و بسیاری آیه‌های دیگر بررسی کرده و به اثبات امامت و ولایت علی بن ابی طالب(ع) پرداخته و علاوه بر استناد به منابع معتبر تاریخی و روایی، به بسیاری از تفاسیر معتبر اهل سنت هم استشهاد کرده است.

در بخش پایانی این اثر، راجع به واژه مولا و مفاهیم لغوی و اصطلاحی آن طی سه رساله جداگانه سخن گفته و بر این نکته تأکید می‌کند که مفهوم ولی و مولا با توجه به علائم و نشانه‌های تاریخی و مورد مصدافی آن در حدیث غدیر به معنای پیشوا، رهبر و سرپرست است.

### تاریخ و شرح حال زندگانی معصومان(ع)

الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد: شیخ در این اثر حوادث و سوانح دوران ائمه(ع) را با جزئیات آن شرح کرده و تقریباً کتاب کامل و جامعی در این زمینه فراهم آورده است. او در آغاز درباره نام، نسب، کنیه، تبار و زادگاه حضرت علی(ع) با استناد به منابع معتبر سخن گفته و ضمن آن به رسالت و نبوت حضرت ختمی مرتبت اشاره نموده و از قول پیامبر(ص) بر این نکته تصریح می‌رود که علی(ع) از همان آغاز رسالت وزیر، وصی و جانشین پیامبر اکرم(ص) در همه امور بوده است.

او در بخش بعد، مناقب و فضائل علی(ع) را بر مبنای احادیث و روایات معتبر تشریح کرده و درباره رویدادها، جنگها و مبارزات مسلمانان در صدر اسلام به تفصیل بحث کرده و نقش برجسته امام علی(ع) را در پیشرفت اسلام در جای جای این رخدادهای سخت نشان داده و برجستگی او را بر دیگر اصحاب پیامبر(ص) به صورت مستند و مستدل اثبات کرده است. وی

در بخش دیگری از کتاب آرا و نظریات علی(ع) را در خصوص موضوعات مختلف اعتقادی، اخلاقی، عرفانی، شخصیتها و وقایع تاریخی گردآورده که حاوی نکات بسیار مفید و ارزشمندی است.

در جلد دوم این اثر، شیخ به تشریح شرح حال و زندگانی امام حسن مجتبی(ع)، مخالفت‌های او با کردار و رفتار معاویه و نیرنگها و دسیسه‌های او در برابر امام حسن(ع) می‌پردازد. او سپس گزارشی مبسوط از وقایع و رخدادهای زندگانی امام حسین(ع) و قیام او در کربلا و شهادت یاران و فرزندانش ارائه کرده که حاوی نکته‌های بسیار آموزنده و جذاب تاریخی است. شیخ زندگانی، فضائل و مناقب امام سجاد(ع) را در صفحات بعدی آورده و در ادامه رشته سخن را به شرح حال امام محمد باقر(ع) و امام جعفر صادق(ع) و اقدامات و فعالیت‌های علمی آنها در نشر و ترویج تعالیم شیعه اختصاص داده است. در قسمتهای بعدی، او راجع به سرگذشت، زندگی و وقایع دیگر ائمه(ع) که با خلافت عباسیان مقارن و مصادف بوده است به تفصیل سخن می‌گوید. او سیماء، سیره و رفتار حضرت حجت(عج) و دلایل و بینات نقلی و نشانه‌های قیام و ظهور آن حضرت و دیگر مسائل مرتبط با امام زمان(عج) و غیبت او را در بخش پایانی کتاب گنجانیده است. شیخ در این تحقیق تاریخی بر آن است که نتایج اجتماعی و اخلاقی رویدادها را به گونه‌ای مفید و آموزنده بررسی کند.

الْجَمَلُ وَالنُّصْرَةَ لِسَيِّدِ الْعِتْرَةِ فِي حَرْبِ الْبَصْرَةِ: این اثر یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین نگاشته‌های تاریخی شیخ مفید و راجع به جنگ جمل است. او در این کتاب نشان داده است که در تحلیل و بررسی وقایع تاریخی به ویژه این رویداد بحث‌انگیز بسیار چیره‌دست است. بسیاری از عالمان، محققان و مورخان به این کتاب عنایت ویژه‌ای داشته‌اند. این اثر از بخشهای متنوعی تشکیل شده که با هم ارتباط محتوایی و منطقی دارند. وی در آغاز دیدگاهها و نظریات فرقه‌های مختلفی را که به گونه‌ای یا طریقی در باب این رویداد سخن گفته‌اند بررسی کرده که فرقه‌های حشویه، معتزله، خوارج و شیعه از عمده‌ترین آنها به شمار می‌روند. وی سپس به توصیف و تشریح گروهها، جمعیتها و اشخاصی که با حضرت امیر(ع) بیعت کردند، می‌پردازد و ضمن آن به آرا و اقوال آنها اشاره می‌کند.

وقایع دوران عثمان و چگونگی شکل‌گیری شورشها و قیامها بر ضد او و روابط علنی و پنهانی اطرافیان او با دیگر سران قبایل و فرق، به ویژه طلحه و زبیر، موضوعات محوری بخش نخست کتاب را تشکیل می‌دهد. فتنه جمل پرسشها و شبهات فراوانی را در میان مسلمانان

مطرح ساخته است. شیخ در بخش دوم که به جنگ جمل اختصاص یافته، تمام جزئیات این رخداد تلخ و ناگوار را تحت عناوین مشخص و جداگانه یک به یک شرح می‌دهد. او در جای جای کتاب کوشیده است که پرده‌ها را از روی حقایق کنار زند و طمع، حرص، آز و خودخواهیهای گردانندگان وقایع جمل را که پشت نقاب اسلام خواهی و سیرت و سنت پیامبر(ص) پنهان شده بودند، به شیوه‌ای مستند و مستدل برملا سازد و آنان را رسوا نماید و حقانیت علی(ع) را اثبات کند. این رویداد نخستین و مهم‌ترین پدیده تاریخی در اسلام است که در آن حق و باطل چنان به هم آمیخته می‌شود که تشخیص و تمیز آن را برای تازه مسلمانان آن دوره بسیار دشوار و مشکل می‌سازد. از این رو، شیخ مفید این فتنه را به شیوه‌ای بسیار عالمانه و محققانه کندوکاو کرده، به گونه‌ای که کمترین شبهه‌ای برای مسلمانان در مورد ایمان، اندیشه و عمل امام علی(ع) باقی نماند.

### اخلاق

اسلام برای اخلاق و تزکیه و تهذیب نفس که مظاهر آن در تقوای عملی و طهارت روحی متبلور می‌شود، اهمیت خاصی قائل شده است. الامالی یکی از برجسته‌ترین آثار حدیثی شیعه و از مهم‌ترین تألیفات شیخ به شمار می‌رود. این کتاب دربرگیرنده موضوعات متنوع اعتقادی، مسئله امامت و ولایت، حقایق قرآنی، عرفانی، آموزشی و تربیتی است. اما به سبب وجود مباحث محوری اخلاقی، ما این کتاب را در این بخش معرفی می‌کنیم. احادیثی که در این کتاب گردآوری شده، درباره جایگاه ارزشمند امامت و ولایت علی(ع) و دیگر معصومان(ع)، صلاحیت و شایستگی آنان برای خلافت و تفاوت و تمایز آنان با دیگران در خصوص دستیابی به این منصب الهی، مناقب و فضائل ائمه(ع) و عناوین متعدد دیگر است. تقریباً همه این احادیث اخلاقی و عرفانی و توصیه‌ها و دستورهایی است که پیامبر(ص) و ائمه(ع) در مورد پاکی و طهارت، ورع و تقوا، پرهیز از گناه، توبه و استغفار، فضیلت دعا، انجام اعمال صالح، وجوب اطاعت از ائمه(ع)، منزلت حدیث غدیر و حدیث ثقلین، فضیلت ماه رمضان و علائم ظهور حضرت حجت(عج) داشته‌اند. برخی داستانها و حکایتهای عبرت‌آموز از صحابه بزرگی چون سلمان، عمار یاسر، مقداد، اباذر، توجه به محبت و مدارا و ترویج آن در میان مسلمانان و بسیاری عناوین متنوع دیگر نیز در جای جای این کتاب حدیثی به چشم می‌خورد. الاختصاص هم یکی دیگر از آثار ارزنده شیخ است که در آن از مطالب و مباحث مختلفی

چون امامت و ولایت، معرفی اصحاب و یاران ائمه(ع) و خصوصیات و ویژگیهای آنان، نکته‌های تاریخی، اعتقادی، اخلاقی و تربیتی، ادبی و رجالی و موضوعات متفرقه دیگر سخن رفته است. طرح مجالس مباحثه و مناظره یکی از روشهای مؤثر علمی و فکری بوده که شیخ از آن برای دفاع و اثبات آرا و اندیشه‌های کلامی شیعی از آن استفاده می‌کرده است. او در شیوه و فن مناظره بسیار چیره‌دست بوده و در مباحثه‌های خود با عالمان و متکلمان دیگر فرقه‌ها و مذاهب، قدرت برهانی و استدلالی خوبی داشته و در خرده‌گیری و کشف اشکالات و شبهات نظرگاههای مخالفان از یک سو و پاسخگویی به پرسشها و ابهامات طرح شده از سوی آنان به خوبی از عهده برآمده و در هر جا که مجلس مناظره‌ای تشکیل می‌شده، به خوبی از عهده اثبات حقانیت اعتقادات شیعی برمی‌آمده است.

کتاب الفصول المختارة مجموعه‌ای از مناظرات شیخ با عالمان و متکلمان دیگر فرقه‌ها و مذاهب است. برای مثال، گفت‌وگوهای او با رمانی، قاضی عبدالجبار معتزلی، ابوبکر باقلانی و برخی دیگران همه نشان دهنده آن است که وی از معلومات و محفوظات فراوانی برخوردار بوده و از اصول، مبانی و دیدگاههای دیگر مکاتب و فرقه‌های کلامی و اعتقادی آگاهیهای عمیق و گسترده‌ای داشته است. همین امر موجب می‌شده است که او در بررسی و نقد آرا و اقوال مذاهب مختلف و عالمان آنها این چنین درخشان و پرفروغ ظاهر شود. بعد از او همه عالمان و متکلمان شیعی در مطالب و مضامین کلامی و فقهی این کتاب غور کرده و آن را بسیار مفید توصیف کرده‌اند. نکته اخلاقی مهمی که در این مناظرات به چشم می‌خورد، رعایت کامل ادب و نزاکت از سوی شیخ مفید است.

مسار الشیعة، المسائل العکبریة و المسائل الصّاغانیة؛ هر سه کتاب پس از نگاهی اجمالی به موضوعات مختلف اعتقادی و اخلاقی شیعه و اشاره به فضیلت ماههای سال و فضائل و مناقب ائمه(ع) به ویژه حضرت امیر(ع)، مجموعه‌ای از پرسشهای فراوان کلامی، اعتقادی، فقهی و شرعی، و حدیثی را همراه با پاسخهای آنها به مخاطبان عرضه می‌دارند. شیعیان مختلف جغرافیای اسلام در آن دوره از موصل و بصره گرفته تا ساری و مازندران و فارس و بسیاری جاهای دیگر و نیز زادگاه او عکبریه، هنگام معاشرت، داد و ستد و آشنایی با جمعیتها، گروهها، اقوام و فرق و مذاهب مختلف با شبهات و پرسشهایی مواجه می‌شدند. شیعیان این سوالات را در قالب نامه‌هایی برای شیخ ارسال می‌کردند و او به همه آنها پاسخهای عقلی و استدلالی محکم و استواری می‌داد و در بعضی جاها به تفاوتها و تشابهات فرقه شیعه با دیگر مذاهب

اهل سنت اشاراتی می‌کرد. این موضوع بعدها مورد توجه فقیهان بزرگی چون شیخ طوسی قرار گرفت و تحت عنوان شاخه فقه تطبیقی موضوع تحقیق فقیهان و دوستانان علم فقه واقع شد.

### شاگردان

در منابع رجالی و امالی شیخ مفید نام شانزده یا هفده تن از شاگردان او ذکر شده که در میان آنها سید مرتضی علم‌الهدی (۳۵۵ - ۴۳۶ ق)، و برادرش شریف رضی (۳۵۹ - ۴۰۶ ق)، شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ق)، رجالی معروف ابوالعباس نجاشی (۳۷۲ - ۴۵۰ ق)، داماد او ابویعلی جعفری (۴۶۳ یا ۴۶۵ ق)، قاضی و فقیه ابوالفتح محمد بن علی کراچکی (۴۴۹ ق)، ابویعلی سألار بن عبدالعزیز دیلمی (۴۴۸ ق)، جعفر بن محمد بن احمد بن عباس دوریستی (۳۸۰ ق) و احمد بن علی بن قدامه (۴۸۸ ق) به چشم می‌خورند. شریف مرتضی فقیه، اصولی و متکلم بزرگ شیعه و شیخ طوسی که در مقال و مجال دیگری بدانها خواهیم پرداخت، از بلندآوازه‌ترین شاگردان شیخ و فقیهان شاخص امامیه به شمار می‌روند.<sup>۱</sup>

### سخن پایانی

منابع تاریخی و رجالی برای شیخ مفید دو فرزند، یکی پسر به نام ابوالقاسم علی و دیگری دختر که همسر ابویعلی جعفری بوده، ضبط کرده‌اند. شیخ ۷۶ سال زندگی کرد و در سال ۴۱۳ ق چشم از جهان فرو بست. هشتاد هزار نفر از شیعیان و پیروان دیگر فرق و مذاهب و حتی خوارج در مراسم تشییع او شرکت کردند. شیخ طوسی می‌نویسد: نمازگزاران می‌گریستند، روز بسیار بزرگی بود و چنین روزی هرگز دیده نشد. حضور چنین جمعیتی در تشییع این عالم بلندپایه شیعی، آن هم در آن روزگار، بسیار شگفت‌انگیز می‌نماید و حاکی از جایگاه ممتاز علمی و فکری، دینی و اخلاقی اوست. سید مرتضی از شاگردان مبرز و برجسته او گزارشی از این تشییع باشکوه به تصویر کشیده است. پیکر او را در کاظمین و در کنار استادش ابوالقاسم جعفر بن قولویه قمی، نزدیک آرامگاه متبرک امام جواد(ع)، به خاک سپردند.<sup>۲</sup>

۱. سلسله مؤلفات شیخ مفید، الامالی (۱۳)، ص ۱۲.

۲. الامالی، ص ۲۴؛ شذرات الذهب، ج ۳، ص ۱۹۹ - ۲۰۰؛ فهرست شیخ طوسی، ص ۱۵۷ - ۱۵۸؛ لسان المیزان، ج ۵،

ص ۴۱۶؛ رجال نجاشی، ص ۴۰۲ و دیگر منابع ذکر شده در صفحه ۲۴ الامالی. منابع دیگر: شرح حال شیخ مفید،

دائرة المعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۱۷۸ - ۱۸۴.